



دینی، علمی، فرهنگی، اجتماعی
ارگان نشراتی انجمن اخلاق و معرفت
دفتر ساحوی جمعیت اصلاح افغانستان

معرفیه

۱۷۶

سال پانزدهم، شماره هشتم میزان ۱۳۹۶ هجری شمسی، مطابق با محرم ۱۴۳۹ هجری قمری، برابر اکتوبر ۲۰۱۷ میلادی

در این شماره می خوانید...

تجربه‌ی موفق توسعه‌وی اسلامگرایان...

برادری اسلامی...

شایسته‌ی انتخاب شدن باش

بودائیسیم و خشونت

در میانمار چه می گذرد؟



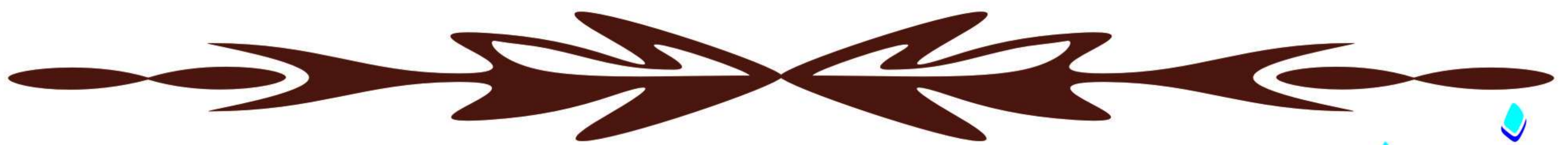


چشمه سار قرآن و سنت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَهْلَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ حَتَّى النَّمْلُ فِي جُحْرِهَا وَحَتَّى الْحُوتُ فِي الْبَحْرِ لِيُصَلُّوا عَلَى مُعَلِّمِ النَّاسِ الْخَيْرِ». سنن ترمذی.



پیامبر صلی علیه وسلم میفرمایند: یقیناً الله متعال، فرشته ها، اهل آسمانها و زمین و حتی مورچه در سوراخ خود و ماهی در اعماق بحر، برای معلمینی که مردم را خیری تعلیم میدهند، دعا مینماید.



معرفت نام دینی، علمی، فرهنگی، اجتماعی

جاهای فروش:

کابل: چهار راهی انصاری، انتشارات رسالت، سرک سیلو، بلاک های شاداب ظفر، انتشارات اصلاح افکار.
هرات: انتشارات ابن عربی، فاروقی، محمدی، ندای اسلام، آفاق و دیگر کتابخانه های شهر.
بلخ: شهر مزار، شرق روضه، عثمانی مارکت، منزل سوم، کتابخانه عمومی رسالت. مایل: ۰۷۹۹۳۷۹۳۲۴
فراه: شهر فراه، قلعه ارباب، چهار راهی مولوی، مرکز علمی فرهنگی توحید ۰۷۹۴۳۵۹۷۳
بادغیس: شرق مسجد جامع بزرگ، مارکت برادران امینی، منزل دوم، کتابخانه امام ابوحنیفه (رح). ۰۷۹۷۸۸۴۸۵۸
تخار: بازارچه کتاب، کتاب فروشی مولوی حبیب الرحمن. مایل ۰۷۷۹۶۳۴۱۹۲
نیمروز: شهرزنج، سرک د افغانستان بانک، جنب ریاست زراعت دفتر جمعیت اصلاح ۰۷۹۵۷۷۴۴۲۵

صاحب امتیاز: جمعیت اصلاح افغانستان

دفتر ساحوی هرات (انجمن اخلاق و معرفت)

مدیر مسئول: عبدالقدیر « صالحی » ۰۷۰۰۴۱۴۸۶۶

سر دبیر: عبدالخالق احسان ۰۷۸۹۰۰۸۱۵۲

هیأت تحریر:

محمد سهراب ناصری، بصیر احمد مبصر

سید مسلم لبیب، عبدالرحمن عزام.

دیزاین: عبدالظاهر « فیاض »

تیراژ: ۱۳۰۰ جلد با توزیع همزمان در هرات و بلخ

مسئول عمومی توزیع معرفت: محمد قاسم محق ۰۷۹۸۶۰۴۳۲۶

پست الکترونیک: Marefatmonthly@yahoo.com

آدرس وب سایت: www.eslahonline.net

آدرس وب سایت جمعیت اصلاح هرات: www.akhlmaqmarefat.com

تلگرام: @akhlmaqmarefat

قیمت هر شماره ۱۵ افغانی

چاپ: شرکت چاپ و نشراسلمی

شمال پارک مسجد جامع بزرگ هرات ۲۲۲۹۶۶۴

* معرفت مطالب چاپ شده را به جز سرمقاله الزاماً بیانگر مواضع خود نمی داند.

* از پیشنهادات، انتقادات و مطالب ارسالی شما استقبال می شود.

* حق ویرایش و پیرایش را برای خود محفوظ می داند.

* معرفت از همه قلم به دستان و فرهنگیان کشور تقاضای همکاری معنوی دارد.

* نوشته های تان را به نشانی دفتر انجمن اخلاق و معرفت - بخش نشرات

و یا از طریق ایمیل ماهنامه برای مان بفرستید.

* آدرس: سرک باغ آزادی، جاده ابن سینا، ابن سینا ۱ - انجمن اخلاق و معرفت

تلفن: ۲۲۳۷۰۱۲ - ۰۴۰

فاجعه‌ی دیگر و ادامه‌ی سکوت مرگبار جهانی!

امروزه با تأسف و درد و دریغ شاهد جنایت هولناک و تروریسم حکومتی علیه اقلیت مسلمان روهینگایی هستیم! درد آوارگی، کشتار، شکنجه، فراری دادن، آتش زدن خانه‌ها و... این جنایات وحشناک و جگر سوز را در حالی شاهدیم که با گسترش سرسام آور رسانه‌یی و دست به دست شدن اطلاعات با سرعت خیلی زیاد، جهان به دهکده‌ی کوچکی تبدیل شده است.

در حالی این وضعیت اسفبار را شاهدیم که در عصر جهانی شدن، گفتمان آزادی، حقوق بشر و رواداری قرار داریم و سردمداران جهان به شعارهای دروغین آزادی و حقوق بشر از جهانیان باج می گیرند؛ اما نسبت به این جنایات حساب شده و برنامه ریزی شده کور و کر گردیدند، انگار نه انگار هیچ حادثه‌ی رخ نداده است.

این جنایت های انسان سوز، عواطف دو میلیارد مسلمان و قبل از آنان، انسانیت و شرف و ارزش های همزیستی و حقوقی را به بازی گرفته و نشان داد که غول تبعیض و تعصب چقدر در دنیای امروزی ریشه دوانیده است.

ازین حادثه هولناک انسان سوزی و ذبح کودکان و شکنجه‌ی فرعون‌ی انسان ها در سایه‌ی رهبری یکی از برنده های جایزه صلح نوبل به جایگاه پوشالی این جوایز بین المللی پی بردیم و حقیقت سازمان های حقوق بشری، حقوق اطفال، و کنوانسیون های مساوات و برابری انسان ها برای مان آشکار گردید و معلوم شد که این سازمان ها به حیوانات بیشتر

از انسان ها ارزش قایل اند و خون مسلمان بی ارزش ترین چیز نزد آنان است.

ازین واقعه ی دلخراش جایگاه کشور های اسلامی نیز برای مان هویدا گردید که این کشور ها هیچ اختیاری از خود نداشته و تا منافع اربابان استعمارگر شان نباشد، لب به سخن نمی گشایند و یگانه کشوری که صدای خود را بلند نموده و کمک ها و نمایندگی رسمی اش به نزد آواره گان رسید، کشور ترکیه بود که باید ازین موقف به موقع و جانانه آن قدردانی شود.

اما چیزی دیگری که آموختیم، بیداری امت اسلامی است که با فعالیت های گسترده در فضای مجازی و راهپیمایی ها در سراسر جهان حمایت خویش را از ملت مظلوم روهینگایی اعلان داشتند، این گردهمایی ها و راهپیمایی ها در اکثر کشورهای اسلامی و به خصوص کشور عزیز ما راه اندازی شد.

نکته قابل تأمل در کشور ما این است که با وجود نشر و پخش برنامه های دین ستیزانه‌ی غرب زده‌ها و سکولار مآبان، بازهم ملت مسلمان ما بیدار اند و با تحمل جانکاه چهار دهه جنگ و ناامنی و فقر و بیچاره گی؛ امت اسلامی را از یاد نبرده و به خاطر دفاع و حمایت از اقلیت مسلمان روهینگایی آن چه در توان دارند به کار می اندازند.

برای مان ثابت گردید که کشورهای اسلامی با محوریت اسلام زنده اند و نفس می کشند، محورهای قومیتی، سمتی، حزبی، زبانی و... توانایی یکجا سازی امت

مسلمه را ندارند و یگانه حبل متین وحدت و یکپارچگی امت اسلامی، اسلام و آموزه های ناب اسلامی است؛ لذا باید با محوریت اسلام به برنامه های بیدارگرانه و وحدت آفرین خویش ادامه دهیم و به اختلافات فروعی و جزئی دامن نزنیم و با تمسک به منابع اصلی اسلامی به حیث امت واحد و یکپارچه به اوج قله های سعادت و کامیابی دست یابیم.

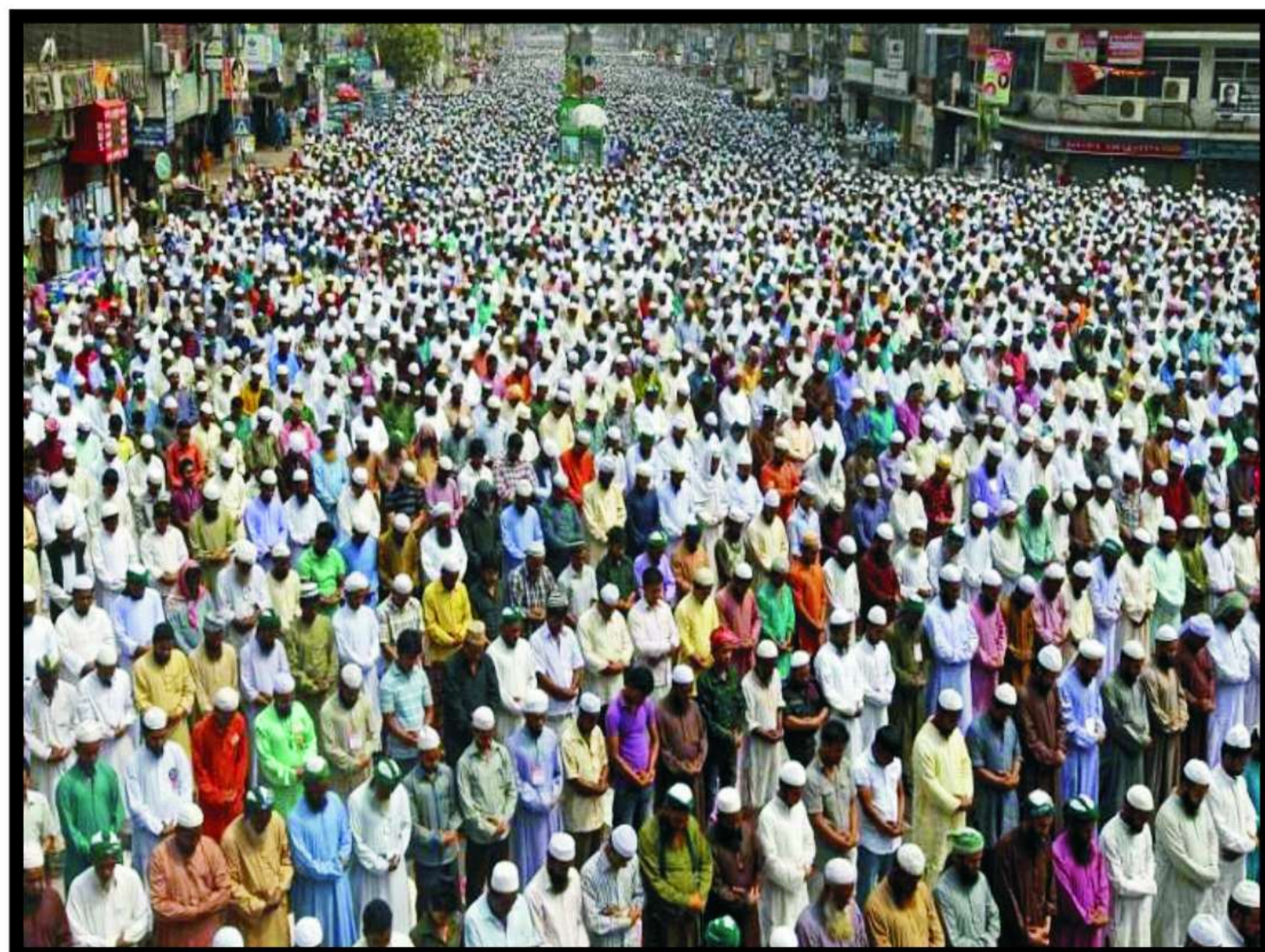
درین برهه از زمان که دشمنان اسلام دست به دست هم داده و برای تفرقه و اختلاف بین مسلمانان از هیچ نوع تلاشی کوتاهی نمی کنند؛ بایسته است که با بینش عالی دشمن شناسانه و با تعامل ارزشمند دوستانه با یکدیگر در مقابل توطئه های دشمن قسم خورده خویش ایستادگی نماییم و با عمل به ارزش های متعالی اسلامی نمونه های عملی از اسلام را به دیگران به نمایش بگذاریم و ممثل واقعی اسلام باشیم.

باید سران کشورهای اسلامی ازین دست مسایل بیدار شوند و متوجه باشند که معیار همراه داشتن ملت های اسلامی شان، تمسک به اسلام است و بس و ازین بیشتر شگاف موجود بین حکومت ها و ملت ها را زیاد نسازند که منجر به نابودی خود شان خواهد شد؛ و ازین بیشتر ملت های خویش را اسیر خواسته های نابجا و زودگذر خویش نسازند و اجازه بدهند که ملت های اسلامی به سوی رشد و توسعه و شگوفایی گام های استواری بردارند.

تجربه‌ی موفق توسعه‌ی اسلامگرایان در اندونیزیا

نویسنده: محمد محمود

ترجمه: عبدالخالق احسان



بین‌المللی پول، تلاش فراوان نمود. پلان جدید سوهارتو به صرفه‌جویی و کمک مالی کشورهای غربی و جاپان، نیاز داشت. مهمترین و بارزترین گام در راه اصلاحات اقتصادی، کاهش آثار تورم اقتصادی اندونیزیا بود، تورمی که ملت را به سوی نابودی می‌کشاند، به خاطر تحقق این هدف، سوهارتو گروهی از تکنوکرات‌ها را که اکثرشان از فارغان دانشگاه‌های امریکایی بود، مؤظف نمود تا راهکارهایی را جستجو و آماده سازند که از بحران تورم کاسته شده و دولت به سوی خودکفایی گام بردارد.

سپس سیاست بازار آزاد را با تعدیلات جدید روی دست گرفته و قوانین استثمار خارجی را در سال ۱۹۶۷ تدوین نمود و در ادامه به تعدیلات دیگری در بازار آزاد، قانون استثمارات داخلی را در سال ۱۹۶۸ تصویب کرد و این قوانین جدید انگیزه‌ی قوی به سرمایه‌گذاران خارجی در اندونیزیا داشت و جاپان و کشورهای غربی در

سهمگین و نابودکننده‌اش به آن دچار بود، و علاوه بر آن، چالش‌های رشد سریع دیموگرافیک و تنوع فرهنگی و زبانی این کشور اسلامی؛ اما فرزندان این ملت مسلمان با اراده‌ی قوی و عزم آهنین در مقابل این موانع پیروز شده و چالش‌ها را درنوردیده و اندونیزیا را به آفاق علم و تکنولوژی بیرون کشیدند و از آن دولت اسلامی ساختند که در مصاف دولت‌های توسعه‌یافته و پیشرفته‌ی اقتصادی قرار می‌گیرد و سومین دولت اسلامی عضو گروه G20 می‌باشد. از تجربه موفق اندونیزیا بزرگترین دولت اسلامی چه می‌دانید؟ اینک می‌خواهیم ازین تجربه برای تان بگوییم!

اصلاحات رئیس سوهارتو (۱۹۶۶-۱۹۷۳)

اصلاحات رئیس سوهارتو بر جنبه‌ی اقتصادی ترکیز داشت، او به بازگشت اندونیزیا به اقتصاد جهانی از خلال ارتباط و عضویت به هیأت‌های مالی بین‌المللی مثل بانک جهانی و صندوق

اندونیزیا به حیث یکی از بزرگترین کشورهای جهان اسلام، در نهضت اقتصادی و علمی فراگیرش، چهره‌ی تمدنی این دولت را دگرگون ساخت، و سبک زندگی شهروندان را تغییر داده و انسان اندونیزیایی را به سوی علم، نوآوری و تولید تشویق نموده و انگیزه داد. شرکت‌های صنعتی، دانشگاه‌ها، مراکز علمی و مساجد به صورت شگفت‌انگیزی به نهضت و خیزش مسلمانان این کشور سهیم گردیدند.

به کمک فرزندان این دولت اسلامی، اندونیزیا توانست در مدت پنج سال گذشته گام‌های بزرگ و پیشرفته‌ی اقتصادی بردارد و در بین کشورهای آسیایی مقام چهارم را بعد از چین، جاپان و کوریای جنوبی، کسب نماید و در سطح جهانی در رتبه شانزدهم قرار گیرد.

با وجود مشکلات و چالش‌های فراوانی که اندونیزیا بعد از استعمار و میراث

بخش‌های مختلف سرمایه‌گذاری کردند و نتیجه‌ی این کار بر اقتصاد اندونیزیا خیلی مثبت بود، طوری که رشد اقتصادی کشور را به بیش از ۹٪ رساند؛ درین برهه بود که نشانه‌های عصر طلایی اندونیزیا شکل گرفت.

عصر طلایی اقتصاد اندونیزیا (۱۹۸۰-۱۹۹۶)

با آغاز دهه‌ی هشتاد، اندونیزیا شاهد تحولات جذری از اقتصاد مصرفی به اقتصاد صنعتی بود، این دگرگونی تأثیر ستبری بر زندگی مردم و سطح معیشت‌شان داشت، و زیرساخت‌های دولت محکم شد و دولت سرمایه‌ی زیادی در بخش صنعت مصرف نمود و بیشتر قریه‌ها به شهرهای بزرگ صنعتی تبدیل گردید.

هم‌چنان تعداد زیادی از پلان‌های اصلاحی اجرا گردید، مثل: سیاست‌های حمایت از کارگران، نیکوسازی نیروی رقابت سالم و آزاد تولیداتی، بازسازی سیستم بخش مالی به گونه‌ای که به سهم‌گیری در تغییرات اقتصادی اجازه دهد، تنظیم و تصویب قوانینی که مشکل قرض‌های خارجی در بخش صنعت را حل نماید. این گونه اقتصاد اندونیزیا از سال ۱۹۸۹ الی ۱۹۹۷ رشد ۷٪ داشت.

بعد از آن اندونیزیا مورد توجه اروپا و کشورهای عربی خلیج و جاپان قرار گرفته و اقتصاد آن در بخش‌های زیرساخت‌ها، صنعت، زراعت و گردشگری رشد چشمگیری یافت و در نتیجه‌ی نهضت اقتصادی، اندونیزیا در لست کشورهای اول آسیایی قرار گرفت؛ اما به اثر وجود نامیمون و ناگوار فساد و ضعف سیستم قضایی و مدیریتی در حکومت نظامی سوهارتو،

بحران قرضه‌های بازدارنده، سبب عقب‌مانی کشور از رسیدن به اهداف مطلوب گردید و کشور به (انحراف مسیر توسعه) دچار شد.

اقتصاد اندونیزیا بعد از بحران ۱۹۹۷

بعد از بحران مالی نابودکننده به سبب نابودی اقتصادی و اضطراب سیاسی که منجر به سقوط حکومت سوهارتو گردید؛ اندونیزیا به مداوای جراحی خویش و بازیابی عافیت خویش آغاز نمود، و به خصوص بعد از این که در تحقق تحول بزرگ سیاسی موفق گردید و نظام سیاسی برای بازسازی اندونیزیا روی کار آمد.

اقتصاد اندونیزیا به صورت تدریجی روبرو به رشد نهاد و در سال ۲۰۰۴م رشد معدل ۵.۱٪ داشته و سپس در سال ۲۰۰۵ به رشد معدل ۵.۶٪ رسید و در سال ۲۰۰۷ معدل بیکاری ۹.۷٪ بوده و با وجود مشکلات رشد اقتصاد جهانی، سیاست‌های جدید حکومت توانست در سال ۲۰۰۷ معدل رشد را به ۶.۳٪ رسانده و نسبت بیکاری را تا سال ۲۰۰۸ به معدل ۸.۴۶٪ کاهش دهد.

در جون ۲۰۱۰م راجستر ۳۴۱ شرکت ملی و دولتی در بازار بورس جاکارتا به پایان رسید که مجموع سرمایه‌گذاری ۲۶۹ میلیارد دالر بود، اگر چه دو سوم این سرمایه‌ها از شرکت‌های بیگانه بود؛ اما به آن هم تأثیرات مثبت و خوبی داشت، به خصوص همگام با سیاست‌های جدید حکومت در میدان شفافیت و دگرگونی سیاست‌های استثماری و بهره‌گیری.

در سال ۲۰۱۱م اندونیزیا در جمع گروه‌های بزرگ اقتصادی بین‌المللی

Moody's و Fitch Ratings

Investors پیوسته و معدل رشد اقتصادی کشور را افزایش داد.

ادامه‌ی آرمان‌های بلند پروازانه و کاوش و پیگیری پلان: (MP3EI)

(MP3EI) پلان جدیدی بود که حکومت اندونیزیا به هدف گسترش و توسعه اقتصاد ملی‌اش روی دست گرفت، از اهداف این پلان تحقق معدل رشد ۷.۵٪ سال ۲۰۱۴ و افزایش ۳٪ تا سال ۲۰۲۵م می‌باشد.

این پلان بر زیادت فعال‌سازی بخش صنعتی و حمایت زیاد سرمایه‌گذاری و سیاست بازار ملی ترکیز دارد و می‌خواهد نیروی رقابت با روش‌های جدیدش به نیکویی ادامه یابد. هم‌چنان حمایت ابتکارها در عرصه‌ی تکنولوژی به منظور رشد و توسعه و رسیدن به آرمان‌های بلند و بالا و تلاش پیگیر تا رسیدن به اهداف پلان (MP3EI) از برنامه‌های لازمه محسوب می‌گردد و عملی ساختن این پلان اقتصاد اندونیزیا را به مقام هفتم در سطح اقتصادهای برتر جهان قرار خواهد داد.

تجربه‌ی اقتصاد اسلامی در اندونیزیا، نیازمند تأمل و تحلیل دقیق است تا ملت‌های اسلامی را به منظور فعالیت جدی و تلاش پیهم وادار سازد، تا این که ازین حالت سستی و ناتوانی که کشورهای ما به آن دچار شده است، به سوی تولید و ابتکار گام‌های استواری بردارند؛ چون عقل مسلمان، عقل نوآفرینی و ابتکار است، در صورتی که زمینه ابتکار و ابداع مناسب، فراهم گردد.

برادری اسلامی، بایدها و نبایدها

نویسنده: عبدالرحمن عزّام

پیش در آمد: اسلام دینی راستین است که برای بهبودی و به سازی زندگی بشر فرو فرستاده شده تا پیوند او را با اله و معبودش مستحکم سازد. و از جانبی هم به گرایش های ذاتی او ارج گذاشته و با خواسته ها و گرایش های سالم فطری او سر سازگاری دارد. با نگاهی گذرا به شریعت اسلامی در می یابیم یکی از پیوندهایی که دین بدان ارزش قایل شده و بر استواری آن تاکید می ورزد، پیوند اخوت و برادری اسلامی است. چون از ویژگی های ذاتی انسان خوی اجتماعیت و انس با زندگی باهمی اوست که می باید در جامعه و کنار هموعان خود زندگی نماید. اسلام آموزه هایی برای سیر گردانیدن این گزینه و بایدهایی برای تعادل بخشی و استوار داری این پیوند، فرمان داده است تا نشود این پدیده از دو لبه ی (افراط و تفریط) ظرفیت خویش، فوران نموده و در ورای آن بجهد؛ جایی که این هر دو مطلوب نیست. اهمیت موضوع را همین بس که پیامبر صلی الله علیه در جامعه ی نوپای مدینه، به عنوان نخستین عملکرد، پیمان اخوت بین مهاجرین و انصار را منعقد می نماید.

اما دریغا! در زمان کنونی ما، ریشه های آن هنوز در کیان جامعه به جان ننشسته است و جایگاه والای آن، تحقق نیافته است؛ بلکه بجای آن، خوی هایی ناپسند در افراد کوچک و بزرگ، پیر و جوان، زن و مرد، و عوام و خواص جامعه ریشه دوانیده است که مغایر و مخالف با خواسته های آموزه های اسلامی است؛ لذا درین نوشته به پای در میدان گذاشتیم تا با تلنگرها و یاد دارهایی برای

برادران ایمانی خویش، ایشان را به چنین پیوندی مقدس و گرایشی مطلوب، فراخوانیم؛ تا باشد بر عقده های بسته شده ی مودت، گره های آهینی گذاشته و بر استحکام آن بیفزاییم.

چیستی برادری اسلامی:

«برادری اسلامی، پیوندی ایمانی است که از جوشش تقوی بر آمده و بر اساس دین خدا بر پای و با چنگ انداختن به ریسمان الهی استوار می شود. تا قیامت بر جای مانده و باعث رستگاری در آخرت خواهد شد». [الأخوة والحب فی الله، حسنی جرار، ص ۳]. لذا برادری ایمانی، عمده ترین عامل استحکام پیوند های درونی جامعه ی اسلامی است که به اساس آن، هر یک از افراد جامعه برای دیگری، بسان خشت پارچه ای است که در استواری بنای آن کمک، و از فرسایش، فروپاشی و فرسودگی آن جلوگیری به عمل می آورد. بهره های برادری اسلامی: از آنجا که برادری ایمانی موهبتی الهی است و همواره با ایمان، تقوی و خداترسی هم رکاب است؛ اثرات مثبت و نیکی بر همبستگی و پیوستگی های جامعه ی اسلامی گذاشته است. بدین منظور اسلام آن را از اعتبار و اهمیت شایانی برخوردار نموده و برای آن کرامت، منزلت و پاداشی بزرگ قرار داده است تا انگیزه ی پویش و تحقق به آن، در مسلمانان ایجاد شده و برای حراست و پاسداشت از آن، تلاش نمایند.

۱- اساسی الهی: برادری اسلامی، پیوند و عقدی است که الله متعال خود جهت یکجایی و هم آوایی امت مسلمان، آن را بنیاد نهاده است. خداوند در خطاب به

پیامبر می فرماید: {لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ} (اگر همه ی آنچه در زمین است صرف می کردی نمی توانستی میان دلهایشان انس و الفت برقرار سازی. ولی خداوند [با هدایت آنان به ایمان و دوستی و برادری] میانشان انس و الفت انداخت). [انفال/۶۳] و در جایی دیگر می فرماید: {فَأَلَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا} (و خدا میان دلهایتان [انس و الفت برقرار و آنها را به هم] پیوند داد، پس [در پرتو نعمت او برای هم] برادرانی شدید). [آل عمران/۱۰۳]

۲- تابنده گی چهره ها: پیامبر اسلام فرمودند: «در میان بندگان خدا کسانی هستند که نه پیامبر اند و نه شهید؛ اما پیامبران و شهیدان در روز رستاخیز به مقام آنان نزد خداوند متعال غبطه می خورند... آنان گروهی هستند که به خاطر محبت خدا بدون کدام نسبت و مالی یکدیگر را دوست می دارند. به خداوند سوگند! چهره های آنان نورانی است و آنان در نور غوطه ور می باشند...». [ابوداود].

۳- سایه نشینی عرش الهی: این؛ امتیاز دیگری است که برای برادران ایمان در نظر گرفته شده است. پیامبر اسلام در حدیثی فرمودند: خداوند متعال در روز رستاخیز می فرماید: «کجا هستند کسانی که به خاطر عظمت من از ته دل به یکدیگر خویشت محبت ورزیدند. امروز روزی است که هیچ سایه ای به جز سایه ی من نیست. آنان را در سایه ی خودم جای می دهم.» [مسلم]

۴- چشم حلاوت ایمان: در حدیثی پیامبر فرمودند: «سه ویژگی وجود دارد

مهرت
۱۷۶

۶

که در هر کس باشد، شیرینی ایمان را می چشد... محبتش با هر کس به خاطر خشنودی الله باشد.» [بخاری و مسلم]

مکلفیت ها: برادری ایمانی به عنوان پیوندی مقدس، دارای حقوق و تکالیفی است که می بایست به آن توجه کامل داشته و در بجای آوری آن، مبادرت ورزید. این مکلفیت ها دارای گونه های مختلفی است که پاره ای به تعامل با عموم مسلمانان تعلق دارند و منحیث حقوق عام مسلمانی مطرح بحث قرار می گیرند و پاره ای هم به شکل ویژه به تعامل با افرادی تعلق می گیرد که پیوند برادری با ایشان منعقد شده است. «این حقوق ارزشمندتر، بزرگتر و مهمتر از حقوق عام است؛ زیرا حقوق خاص بر انتخاب برگزیدگان خالص از برادران مؤمن و نسل مسلمان استوار است. فرد مسلمان بهترین برگزیدگان را برای خود انتخاب می کند تا در امور زندگی یار و مددکار، در سختی ها پشتیبان و در غم و شادی رفیق راهش باشند.» [برادری در اسلام، عبدالله ناصح علوان، ص ۳۱]

نمونه هایی از برادری: با مطالعه و کندوکاو متون اسلامی به موارد زیادی بر می خوریم که در آن واقعیت های شگفت انگیز فراوانی در باب برادری وجود دارد. در ذیل دو مورد از رویدادهای صدر اسلام به عنوان نمونه تذکر خواهد رفت.

۱- عبدالرحمن بن عوف و سعد بن ربیع: «آنگاه که پیامبر اسلام در میان مهاجرین و انصار برادری برقرار کرد، عبدالرحمن بن عوف مهاجر با سعد بن ربیع انصاری، پیمان برادری بست. روزی سعد در خطابی به برادرش عبدالرحمن بن عوف گفت: برادر! من ثروتمندترین اهل مدینه هستم؛ دوستان و باغ دارم و دارای دوزن هم هستم. بین هر کدام از باغ ها را می پسندی، برای خودت بردار و هر یک از

زنان را پسندیدی من او را برایت طلاق می دهم. اما عبدالرحمن به برادرش گفت: مال و خانواده ات مبارکت باشد. ولی بازار را به من نشان ده. بازار را به او نشان داد. او به داد و ستد و معامله مشغول شد.» [صور من حياة الصحابة، عبدالرحمن رأفت باشا، ص ۲۵۰].

۲- عکرمه، حارث و عیاش: «بعد از اینکه نبرد یرموک با آن پیروزی بزرگ و درخشان برای مسلمانان خاتمه یافت، در میدان کارزار یرموک سه نفر از مجاهدان افتاده بودند که زخم های زیاد، آن ها را از پای در آورده بود. این سه نفر عبارت بودند از: حارث بن هشام، عیاش بن ابی ربیع و عکرمه بن ابی جهل. حارث هنگام کشمکش با مرگ، آب طلبید، وقتی آب را به او رساندند، عکرمه نگاهش کرد، او گفت: آن را به عکرمه دهید، وقتی آب را نزد عکرمه بردند، عیاش نگاهش کرد، عکرمه هم گفت: آب را به عیاش دهید. اما وقتی به کنار عیاش آمدند، روح را به فرشتگان تسلیم نموده و با جام شهادت تشنگی خویش را سیراب نموده بود. و موقعی که نزد دو همزمش برگشتند، آن دو هم فرمان خدا را لبیک گفته و به عیاش پیوسته بودند.» [همان، ص ۱۲۴].

بایدهای برادری اسلامی: برادری و استحکام بخشیدن به بنای استوار آن، زیر بناهایی لازم دارد که بنیاد آن را نیرو بخشد و درخت آن را به ثمر نشاند. در ذیل به پاره ای از آن، اشاره خواهیم نمود:

۱- ایماندارانه باشد: برادری باید بر اساس ایمانداری پایه گذاری شود؛ زیرا مؤمن، با کسی دیگر جز مؤمن برادر شده نمی تواند. {إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ} (فقط مؤمنان برادران همدیگرند). [حجرات/۱۰]. لذا زمانی می توان برادری را چنین دانست که شخص برادر خود را از میان یاران با ایمان و دوستان پرهیزگار خود انتخاب کند.

۲- اخلاصمندانانه باشد: اخلاص و للهیت در برادری ایمانی امری مهم و لازمی است. بدون آن، این گره نمی تواند پیوسته بماند و در شرایط دنیای مادی کنونی، استمرار یابد. برادری آنگاه خالصانه است که دو طرف انعقاد این عقد مقدس، دل از مصلحت ها تهی نمایند و با خیالی صاف و دلی پاک، به انجام چنین پیوندی مبادرت ورزند.

۳- نصیحتگرانه باشد: دو فرد مسلمان هنگامی که با یکدیگر خویش دست مودت می دهند و پیمان اخوت می بندند، باید نصیحتگر هم بوده و بر اساس باورهای درست و آموزه های اصیل اسلامی همدیگر خویش را پند و اندرز داده و خوبی ها را به هم تذکر دهند و از بدی ها خویش را باز دارند.

۴- همکاری باشد: برادری ایمانی باید روحیه ی همیاری و همکاری را باخود داشته باشد. همکاری در تمامی زمینه های مثبت و سازنده؛ طوری که در غم و شادی همدیگر شریک بوده و تسلی بخش و خاطرخواه هم باشند. دکتر عبدالله ناصح علوان می نویسد: «پس اگر دین اسلام همکاری میان مسلمانان را امری لازم و حقی واجب قرار داده باشد، بدون شک این حق در مورد کسانی که در راه خدا عقد اخوت بسته اند واجب تر و لازم تر است.» [برادری در اسلام، عبدالله ناصح علوان، ص ۲۰].

نبایدهای برادری اسلامی: در زندگی انسانی خوی و خصلت هایی وجود دارد که سبب سست شدن پایه های اخوت شده و به مرور زمان بنای استوار آن را ضعیف و بنیاد پایدارش را فرو می ریزد. لذا باید از آن ها دوری جسته و هرگز بدان روی نیاوریم.

شایسته‌ک انتخاب شدن باش!

نویسنده: دکتر جمال عبدالستار

مترجم: محمد زبیر جامی

پیروزی حق، حقیقت و عقیده‌ی راسخی است غیر قابل تغییر، و نابودی باطل یقین کاملی است غیر قابل تبدیل.

امت اسلامی هر قدر که زخم‌ها، تن‌نزارش را دردمند کرده باشند، هرگز نورش به خاموشی نخواهد گرایید و فیوضات و خیرش به پایان نخواهد رسید و پیوند خود با اسلام عزیز را حفظ کرده و همچنان مسلمان خواهد زیست و با وجود درد این شکست، یقیناروزی پیروز خواهد شد.

آری! روزگار نصر و پیروزی فرا خواهد رسید و ابر تیره‌ی ناامیدی کنار زده خواهد شد و عدالت اسلام یکبار دیگر همه جهان را دربر خواهد گرفت.

در کشاکش این معرکه اما سوالی ذهن‌ها را به خود مشغول می‌سازد و آن اینکه نقش من و تو در این میان چیست؟

و یا اینکه اصلاً من و تو شایسته و آماده حضور در نبرد مقدس هستیم؟

فراموش نباید کرد که خدمت کردن به این دین شایستگی می‌خواهد که نصیب هر کسی نمیشود و تاجی است که همه لایق بر سر کردن آن نیستند.

نبی رحمت صل الله علیه و سلم می‌فرماید: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا اسْتَعْمَلَهُ، قِيلَ: وَمَا اسْتَعْمَلَهُ؟ قَالَ: يُفْتَحُ لَهُ عَمَلٌ صَالِحٌ بَيْنَ يَدَيِ مَوْتِهِ حَتَّى يَرْضَى عَنْهُ مَنْ حَوْلَهُ». (زمانی که خداوند برای بنده‌ای خیر اراده کند، وی را به کار می‌گیرد، گفته شد: چگونه؟ پیامبر صلوات علیه فرمودند: قبل از اینکه مرگش فرا برسد، برایش توفیق انجام عمل صالح داده میشود تا

مهرت
۱۷۶

۸

اطرافیان‌ش از وی راضی گردند) (نفعش به سایرین می‌رسد).

برای رسیدن به این افتخار، قلبها را از غیرخدا باید شست و نفسها را از بند شهوات باید رها کنید، و اینکه دست از تبریئ کردن نفس سرکش در کم کاری و سستی هایش برداشت، چرا که حساب خداوند با بندگان‌ش موقوف بر اعمال و در گرو کردارشان است.

در این مرحله که سختی به اوج خود رسیده و نبرد میان حق و باطل شدت گرفته سزاوار نیست که دست روی دست گذاشته و به اطرافمان بنگریم، بلکه باید خود را شایسته‌ی انتخاب شدن برای نبردی گردانیم که نتایجش تضمین شده است برای کسیکه که آمادگی خود را در حد توان گرفته تا در روز رویارویی حق و باطل - شمشیر بران این دین باشد و در روز پیروزی پرچمدار آن.

شایستگی انتخاب شدن در آینه‌ی آماده شدن برای خدمت کردن (یاری رساندن دین) منعکس میشود، چرا که دفاع از اسلام لطفی است از جانب خداوند برای کسانی که دوستشان دارد، و ایستادن در خندق حق مقامی است که همه را شایستگی ایستادن در آن نیست، همانگونه که خداوند فرموده: {وَمَا يَلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يَلْقَاهَا إِلَّا ذُو حُظٍّ عَظِيمٍ}. (فصلت] و به این [مقام] نمی‌رسند مگر کسانی که دارای صبر و استقامت باشند، و بدان نمیرسند مگر کسانی که بهره‌ی بزرگی [از ایمان، تقوا و اخلاق ستوده] داشته باشند).

آمادگی برای خدمت به دین - در دایره‌ی علاقه‌ای ویژه با خداوند بزرگ به تمثیل در می‌آید، که ثمره اش راستی و درستی رای و نظر، صواب بودن استدلال و توانایی تاثیر گذاری و کثرت توفیق در انجام کارهای نیک خواهد بود.

هرگونه کوتاهی و سهل انگاری در این راه، چیزی به جز محرومیت از این افتخار در پی نخواهد داشت، همان گونه که خداوند عالمیان می‌فرماید: {وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ}. (سوره التوبة) (اگر می‌خواستند ابرای جهاد بیرون روند، توشه و ساز و برگ آن را آماده می‌کردند اما خداوند [می‌دانست که اگر برای جهاد بیرون می‌آمدند جز زیان و ضرر نداشتند. این بود که] بیرون شدن و حرکت کردن آنان را نپسندید و ایشان را [از این کار] بازداشت. و بدیشان گفته شد: با نشستگان بنشینید] چرا که شایستگی آن را ندارید که در کارهای بزرگ و راه سترگ خداوند گام بردارید).

اما زوایه‌ی پنهانی در پس تمامی این سستی‌ها و لغزش‌ها وجود دارد که مانع کسب این شایستگی توسط افراد می‌شود و آن چیزی نیست جز مرض‌هایی در درون قلبها، امراضی که به درستی علاج نشده و شاید هم اصلاً تشخیص نشده باشند.

به عنوان مثال فرار از میدان نبرد (قتال) عارضه‌ای نیست که به یکبارگی و در شدت معرکه ظاهر شود، بلکه علتی است قدیمی در نفس و مرضی مدفون در قلب که طبیب از وجود آن آگاه نبوده و خللی

است در فکر که کسی به آن توجه نکرده است.

پس شعله های آتش میدان جنگ، امتحان این مرض و زلزله ی روبرو شدن با دشمن، میدان سنجش آن بوده که در نهایت منجر به چنین افتضاحی شده است، همانگونه که خداوند میفرماید: {أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ} (سوره محمد). (آیا کسانی که در دلهایشان بیماری [نفاق] است، گمان می برند که خداوند کینه ها و دشمنانگیهای ایشان را [که از اسلام و مسلمین در دل دارند] ظاهر و برملا نمی گرداند؟)

پس برای کسب این شایستگی هر یک از ابنای این امت باید خود را برای آن آماده کند، با آماده کردن وسایل و اسباب لازم - البته در حد توان خویش - چرا که خداوند همانگونه که ظالمان و تجاوز کاران را محاسبه میکند افراد مقصر و کم کار را نیز محاسبه خواهد کرد.

اولین گام در راستای کسب این شایستگی ایجاد رابطه ای محکم با خداوند است، چرا که این رابطه صاحبش را شایسته و اهل مقام خدمت گذاری دین میگرداند، همانگونه که خداوند متعال میفرماید: {فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا} (سوره الفتح) (خداوند میدانست آنچه را که در درون دلهایشان [از صداقت و ایمان و اخلاص و وفاداری به اسلام] نهفته بود، لذا اطمینان خاطری به دلهایشان داد، و فتح نزدیکی را نصیبشان کرد).

لذا هر فرد مسلمان باید به دنبال تخصص و مهارتی برود که در آن خبره است و با سعی و کوشش بی دریغ خود را به بالا ترین درجات آن برساند تا به وسیله ی آن در پروسه ی بیدار کردن و برپا کردن

دوباره ی امت سهم خود را ادا کند.

یقینا این سختی روزی به پایان خواهد رسید و نسلهای مسلمان، پیکره ی امت را دوباره بنا خواهند کرد و این امت روزی از هر چشمه زلالی خواهد نوشید و از هر زمین حاصل خیزی ثمر خواهد گرفت. و این امت در آن روز شکرگزار کسی خواهد بود که برای رسیدن دوباره آن به اوج، برایش راهی را هموار کرده و یا برای آبیاری اش وادی یی را شکافته و یا هم در روزگار سختی و یأس برایش پنجره ی امیدی باز کرده است.

پس ای مسلمان! دست کشیدن از کاشتن آخرین نهالی که در دست داری گناهی است بزرگ و اکتفا کردن به گریه بر گذشته ی دردناک مان اشتباهی است جبران ناپذیر، همانگونه که مایوس شدن از رحمت خداوند مساوی است به کفر و زندگی کردن در عالم رویا و خیالبافی چیزی نیست جز دیوانگی.

خسارت و نقصان انسان در این دنیا به هر میزانی هم که برسد نباید فراموش کند که خسارت حقیقی هنوز نیامده و هر قدر هم که در این دنیا به آسودگی و منافع دست یابد، باید بداند که پیروزی و سعادت حقیقی هنوز فرا نرسیده است، همان گونه که خداوند میفرماید: {فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ} (آل عمران) (هر که از آتش دوزخ به دور گردد و به بهشت برده شود، واقعا سعادت را فراچنگ آورده و نجات پیدا کرده است و زندگی دنیا چیزی جز کالای فریب نیست).

أ- طمع و آزمندی: حرص و طمع و چشم داشت به داشته های دیگران، بزرگترین نابود کننده ی محبت و دوستی است. این ویژگی و خوی، بسان موریانه ای درخت تنومند برادری را از درون خالی نموده و سرنگونش می سازد. حالانکه بی توجهی به دست داشت دیگران بر نیرو و توانمندی آن می افزاید. پیامبر در حدیثی فرمودند: «دل به دنیا مبند و از آن روی گردان تا خدا تو را دوست بدارد، و به آنچه نزد مردم است بی توجه باش و از آن روی گردان تا مردم تو را دوست بدارند». [ابن ماجه].

ب- زیر پای نمودن ارزش های اخلاقی در تعامل اجتماعی: عاملی دیگر برای سستی و گسست پیوند برادری، بی مهری نسبت به برادر و پای گذاشتن بر ارزش های اخلاقی است؛ طوری که بدون در نظر داشت شرایط و حالات، شخص دست به انجام امور ناخوشایندی بزند که موجب ناراحتی و دل سردی برادرش گردد.

د- عدم تعادل: عدم اظهار محبت نسبت به برادر، سبب سستی پیوند برادری شده و رفته رفته دل ها را سرد و ارتباط ها را سست می گرداند. و از جانبی هم زیاده روی در دوستی و برادری نیز دل ها را سرد و خاطر ها را خدشه دار می سازد؛ لذا درین میان باید به هر دو جنبه توجه جدی صورت گرفته و با در نظر داشت هر دو جانب آن، به شکل معتدل و میانه روانه باید با برادر دینی و ایمانی خویش برخورد نموده و از سستی و اضافه روی در محبت، جدا پرهیز نمود. [مُفْسِدَاتُ الْأُخُوَّةِ، هشام عبد القادر آل عقده، ص. ۱۱۱-۱۶. با گزینش و اختصار].

بودائیسیم و خشونت

کرده که به سبب دشنام دادن به متون مقدس وایبولا در این مخمصه افتاده است چون بدان ایمان نداشت و نیز چونکه پادشاه «بودا»، او را کشته است... سپس در جهانی دیگر متولد خواهد شد (این عین حقیقت است). او در ده مرحله زندگی کرده است.. اینگونه در روزهای قبلی خود، زندگی ده مرحله ای را به او اعطا کردم. پس چگونه می گویند که من او را کشتم؟» [۳].

در اصل و مبنای رجال دین بودایی پیرامون کشتن دشمنان تأمل کن! آنها، معتقدند که کشتن هرکس که بر عقیده شان نیست در زمره کشتن رحمت و مهربانانه قرار دارد تا در جهنم پاک شوند و ارواح شان به عالم حقیقت منتقل گردد، این امر در حقیقت قتل بشمار نمی رود بلکه با کشتن حیوانی که از درد کشنده رنج می برد تفاوتی ندارد، و این امر بهانه‌ای خطرناکی است که در پشت آن پنهان می شوند تا جان انسانها بویژه مسلمانان را بگیرند همانطور که قبلا و الان در تایلاند و برمه انجام می دهند.

مبنای دیگری هست که راهبان بودایی از طریق آن، کشتن دشمنان و مخالفان خود را توجیه می کنند و آن ایمان بودایی ها بدین امر است که هستی صرفا یک توهم است، و حقیقت جز با حصول نیروانا (یعنی فناء در خدا) قابل دستیابی نیست. بر همین اساس، هرکس که به بودائیسیم ایمان ندارد و از نور آن روشنایی برنگرفته، کشتنش در این حیات دنیایی کشتنی حقیقی نیست، چرا که در عالم وهم اتفاق افتاده است. و این قربانیانی که به دست راهبان (ذبح) سر بریده می شوند در

دراز مدت این آئین هستند».

اما اندیشمندان بودائیسیم که نامشان در غرب برجسته است امثال «دالای لاما»، تنها جوانبی معین از مناسک بودایی خود را بیان داشته اند و جوانب دیگر را از همه پنهان کرده اند.

از جوانبی که از همه پنهان داشته اند: موضع آنها نسبت به کسانی است که با دینشان مخالف هستند و نیز ارزش مخالفان در دید بودایی ها می باشد.

شاید بیان برخی از متون دینی مقدس آنها تا حدی کفایت کند.

گیریسون می گوید: «معابد بودایی نقش پایگاههای نظامی را بازی می کنند، و راهبان، انقلاب هایی را ترتیب داده اند، و مبنای دین بودائیسیم از طرف حاکمان کشورها برای جنگهایی بکار گرفته شده اند. پایه و اساس برخی کارهای خشونت آمیز و وحشیانه، ریشه در کتاب های مقدس بودایی دارد، و برخی دیگر نیز بخاطر توجیهات بزرگان بودائیسیم می باشد» [۲].

در سفر «نیروانا سوترا» یا «سفر نیروانا» (همان فناء صوفیانه) که حکایتگر آخرین روزهای بودا است آمده که بودا یک بار، یکی از کاهنان برهمنی که به اسفار مقدس «وایبولیا» توهین کرده بود را به قتل رساند و گفت: «به سبب کاری که انجام دادم وارد جهنم نمی شوم.. آنگاه که از متون دینی ماهایانا دفاع می کنیم فضایل بی شماری را به دست می آوریم».

زمانی که بودا بخاطر این کار مورد نکوهش قرار گرفت پاسخ داد: «شخص براهمایی پس از مرگش به جهنم اویچی می رود، و با سه خطر مواجه خواهد شد... او درک

بودائیسیم از دیانت های حاضر و غایب جهان اسلام و حتی در تمام جهان بشمار می رود، زیرا عقاید، مناسک و افکارش در سکوت انتشار می یابد و غالب این اعتقادات در لباسی غیر از لباس حقیقی اش صادر می گردد.

از اموری که به دروغ از این دین رایج گشته اینست که پیروانش همچون گوسفندان بی آزاری هستند که هیچ حیوان دیگری را اذیت و آزار نمی رسانند. تا جایی که انسان از موارد بسیاری که درباره‌ی صلح و دوستی بوداییها می شنود تعجب می کند! چگونه ممکن است این کبوترهای صلح و آشتی به حیواناتی درنده تبدیل شوند؟

حقیقت اینست که تمام اینها دروغ و فریب هایی است که راهبان بودایی در شرق و غرب، موفق به نشر آن گشته اند.

چرا که متخصص در پژوهش های بودائیسیم و خشونت "مایکل گیریسون" در مقاله ای با عنوان «راهبان حامل سلاح» [۱] از ظاهر فریبنده ای سخن می گوید که بودایی ها توانستند بوسیله آن، تمام جهان را فریب دهند، او می گوید: «از زمانی که وجود این ماسک فریبکارانه را در سال ۲۰۰۴ میلادی درک کردم، در مطالعه نخست خود پیرامون بودائیسیم بازنگری نمودم؛ مطالعه و تحقیقی که بُعدی وسیع و تاریخی از سنتها و مناسک بودائیسیم یعنی بُعد خشونت را از من پنهان داشته بود». سپس بیان می دارد که «راهبان سر تا پا مسلح تایلندی بعنوان مثال، نمونه عصر

حاضر برای

سابقه تاریخی

لاهُوت بودائيسم با نام «اچانتیکا» (icchantika) آورده شده است و معنایش: محرومان از نور می باشد [۴].

سفر «نیروانا سوترا» می پرسد: چرا خیر در اچانتیکا وجود ندارد؟ و اینگونه پاسخ می دهد که: ای شخص نیکوکار، چون اچانتیکا از اصل خیر محروم هستند. زیرا تمام موجودات دارای پنج اصل می باشند همچون ایمان و... اما کسانی که از طبقه اچانتیکا هستند تا ابد از این اصل محروم می باشند. بهمین دلیل، ممکن است که انسان، مورچه ای را بکشد و گناه آزار رساندن بدان به وی برسد اما کشتن کسی از اچانتیکا، گناه به حساب نمی آید» [۵].

و در سفر «سوستیتاماتی باریریچا» که بعنوان راهنمای چگونگی کشتن با شمشیر حکمت توصیف می شود، روشن فکر! «منجوشری» به بودا بیان می دارد که مقتول تنها یک نام و اندیشه است، پس اگر قاتل بتواند هنگام قتل، ذهنش را از این افکار و نامها خالی کند این امر دیگر قتل بشمار نمی رود بلکه هیچ قتل و قاتلی

بصورت حقیقی وجود ندارد، «زیرا شمشیر و کارما و مجازاتی در کار نیست» بلکه تنها، خیال است [۶].

همچنین از مبانی توجیه قتل نزد راهبان بودایی اینست که برخی مخالقات - به گمان آنها - ممکن است در میزان جهان (دهارما) (Dharma) تاثیر بگذارد، که در این هنگام، دخالت با شمشیر برای نجات صلح بشریت اجتناب ناپذیر می گردد.

برنارد فور می گوید: «از دلایلی که بودایی ها غالبا برای توجیه قتل ارائه می دهند این ادعا است که اگر دهارما مورد تهدید واقع شود جنگ با شدت تمام بر ضد نیروهای شر ضروری می گردد. و اندیشه نبرد جهانی بین نیروهای خیر و شر بعدی اخروی به بودائیسیم می بخشد که در اصل فاقد آنست. این مبدأ یعنی تبلیغ برای نیاز به خشونت در راه حفظ انسجام جهانی به توسعه نوعی از نظریه جنگ عادلانه می انجامد» [۷].

خلاصه اینکه بودایی ها بدون اعتقاد نمی جنگند، و قتل عامهای وحشیانه و فجیعی

که نسبت به مسلمانان بی دفاع در شرق آسیا مرتکب می شوند ریشه در اعتقادات آنها دارد؛ اعتقاد به اینکه هر کس غیر از آنها که به مرتبه نور (مورد نظر بودائیسیم) نرسیده است مستحق کشتن می باشد و از مورچه هم کم ارزش تر است، و مادامی که قاتل صورتی ذهنی از مقتول ندارد (چنانکه شاگردان و مروجان قانون جذب و نیروی وجود به ما می آموزند) اساسا وجود ندارد، پس کشتن او برای حفظ انسجام جهان اشکالی ندارد.

منبع: مجله بیان شماره ۳۲۶ سال ۱۴۳۵ هـ.اوت ۲۰۱۴ م.

[1] <http://religiondispatches.org/>

[2] "Buddhist Traditions and Violence

[3] نیروانا سوترا: 22

[4] Chinese Buddhist Encyclopedia, «icchantika»

(<http://www.chinabuddhismencyclopedia.com>).

[5] نیروانا سوترا: 40

[6] "Buddhist Traditions and Violence", 52.

[7] Buddhist Warfare (Oxford University Press, 2010), p. 212, 213.

امتی متشتت و ملتی متفرق

مولانا نجیبی کروی

تو کز محنت دیگران بیغمی
نشاید که نامت نهند آدمی

اگر مسلمین جهان طبق بیان سید انس و جان، تن واحدی می بودند و بناء مستحکمی، درد یکی درد همه می بود و هر یکی باعث استحکام دیگری میگشت؛ به چنین وضع رقتباری نمی افتادند، و چون کفی بر سیل خروشان قرار نمی گرفتند. هیبت و صلابت شان از میان نمیرفت، در دلهاشان وهن و سستی جای نمی گرفت. گوشت بی استخوانی نمیشدند که بدون جویدن در هر معده یی فرو رفته و هضم شوند. هر مستعمری بر آنها نمیتاخت، و هر مستثمري از آنها بهره کشی نمی نمود، هر مستکبری خون شان را بی ارزش نمی

دانست، و چنین اوضاع نابسامانی بر کشورهای اسلامی حاکم نمیگشت و قیامت کبرائی بر سوریه، عراق، افغانستان و میانمار به ظهور نمی پیوست.

راه نجات از این مصیبتها برگشت به اسلام است؛ اسلام پیامبر و یاران کبارش، نه اسلام میراثی و جغرافیائی، اسمائی بدون مفاهیم و اجسادى بدون ارواح، دو میلیون و اندی مسلمان پس از اداء وظایفی، مثلث شوم زر و زور و تزویر (استکبار، استعمار و استثمار) را در کنار خانه ی خدا سنگ باران نموده و اظهار بیزاری و برائت کردند؛ در حالیکه سران دد صفت و دیو منش غرب به ممالک اسلامی دعوت شده و از سرمایه ی گران بهای امت اسلامی هدیه ها میگیرند.

تنها دواى سرطانِ استضعاف مسلمانها استفاده از نسخه ی وارده از دارالشفاء الهی (قرآن) است و بس، نه اعلامیه ی حقوق بشری و نه هم شورای امنیت. تنها طریقِ قویم و صراطِ مستقیم، آیین الهی است و قانون خدائی. درین مصیبت دلخراش وارده بر برادران و خواهران و اطفال معصوم میانمار یگانه تسلیت ما تظاهراتی است که از طرف بیدار دلان هوشیار که خود را شریک در غم مسلمانها میدانند میباشد؛ امیدواریم که این خونهای پاک غفلت زدا شوند و این همه فریاد و ناله های مظلومین، مایه ی بیداری خواب رفتگان.

فانوس ادب

وقت جهاد است

میانمار آتش و جنگ است اینک
سکوت مسلمین ننگ است اینک
بشر اندر سکوت مرگبار است
حقوق اندر بشر صرفا شعار است
به آتش می زنند اجساد مسلم
نمی خیزد به نصرت داد مسلم
شده بریان تن پاک برادر
پدر در خاک، مدفون است بی سر
ز خواهر گوهر عفت ربودند
به روی مادران آتش گشودند
شود محو و فناه از صحن هستی
ندارد جرم جز یکتا پرستی
تجاوز میشود ناموس مسلم
شده مرگ و عزا کابوس مسلم
مساجد میشود تخریب و ویران
به آتش می کشد پیوسته قرآن
کجا شد غیرت فاروق اعظم
کند ظلم و جفا را محو عالم
مسلمان بی صدا تاکی نشستن
اسارت تا به کی بر ظلم دشمن
بخیز اکنون که وقت اتحاد است
ندا آید بیا وقت جهاد است

کودکان و مظلومان میانمار را دریابید!

گناهت چیست ای کودک؟
که اشکت را در آوردند؟
و فریادت چنین جانسوز میپیچد؟
مرا از خویش شرم آید!
من از نامم که انسان است شرم و عار میدارم!
مرا از آدمیت شرم میآید!
که آزار تو را بینند
و شب را راحت و آرام میخوابند!
ضمیر آدمیت کو؟!
مرام و مهر و رحمت کو؟!
و اکنون خوب میفهمم،
که یک موجود در دنیا،
ز حیوان پستتر گردد!
بله آنان چو أنعامند!
و حتی بدتر و گمراهتر از أنعام!
محمد ابراهیم ساعدی رودی

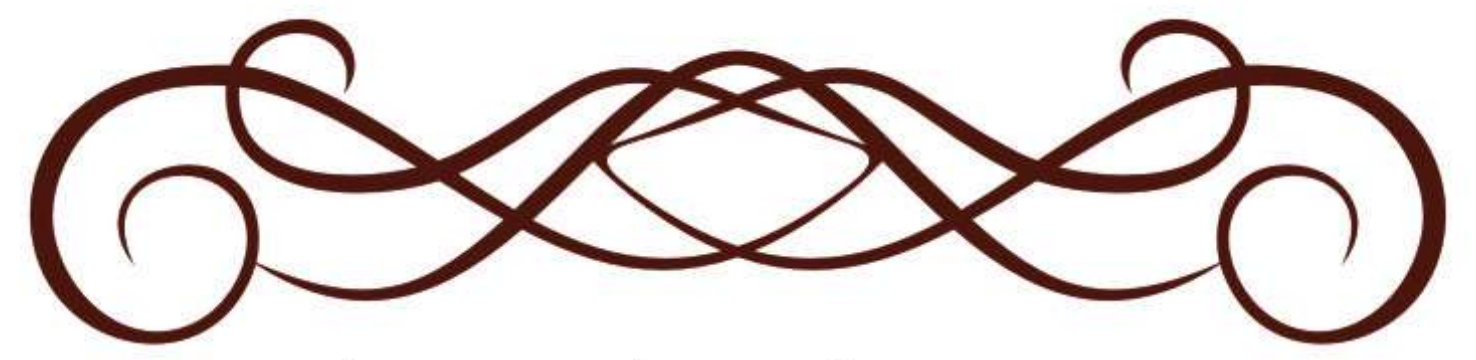


فاجعه‌ی میانمار و قصه‌ی مسلمانی من

سرگرم به دنیا و به مهمانی خویشم
شرمنده از این نام مسلمانی خویشم
سوراخ کف کشتی امت به "میانمار"
ای وای که من شاهد ویرانی خویشم
آنجا که کباب جسد امت احمد(ص)
در عیدم و قربانی و بریانی خویشم
در حج که امیدی به قبولی دعا هست
سرگرم به آن سلفی شیطانی خویشم
از شرم، "حواشی" به دعا چشم ببندد
چون واقف بر حد پریشانی خویشم
یا رب تو ز درگاه خود، امداد بفرما
امید، بسی بر در سبحانی خویشم

عبدالرحمن حواشی

ابراهیم_کبدانی



شرح داستانِ فراق

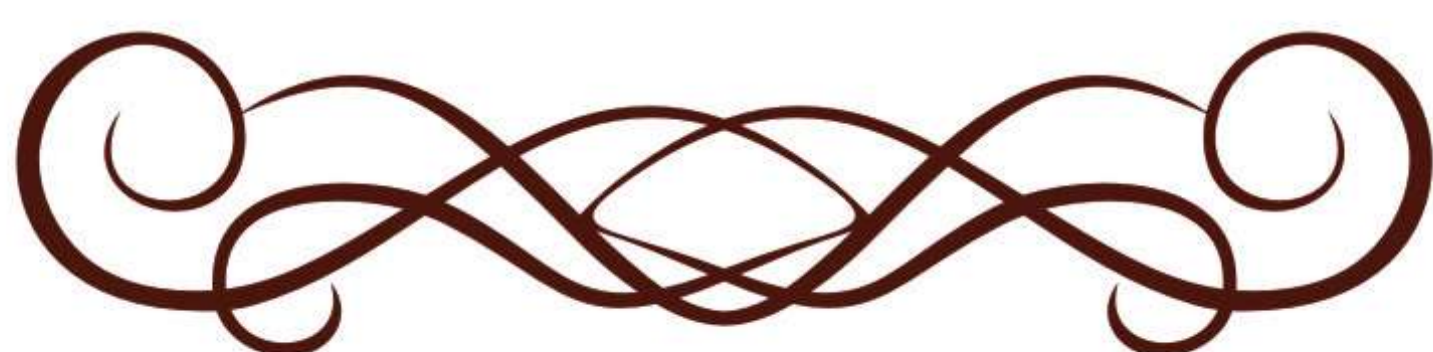
زبانِ خامه ندارد سرِ بیانِ فراق
 بیا که با تو دهم شرحِ داستانِ فراق
 رفیقِ خیلِ خیالِ ایم و هم‌کابِ شکیب
 قرینِ آتشِ هجران و هم‌قرانِ فراق
 دریغِ مُدتِ عمر-ام که بر اُمیدِ وصال
 به سرِ رسید و نیامد به سرِ زمانِ فراق
 سَری که بر سرِ گردون به فخرِ میسودم
 به راستان که نهادم بر آستانِ فراق
 چه‌گونه باز کنم بال در هوای وصال
 که ریخت مرغِ دلام پر در آشیانِ فراق؟
 کُنون چه چاره که در بحرِ غم به گردابی
 قُتاد زورقِ صبر-ام ز بادبانِ فراق؟
 بسی نماند که گشتی عُمَر غرقه شود
 ز موجِ شوقِ تو در بحرِ بیگرنِ فراق
 اگر به دستِ من اُفتد، فراق را بگشَم
 که روزِ هجرِ سیّه باد و خان-و-مانِ فراق
 ز سوزِ شوقِ دلام شد کبابِ دور از یار
 مُدام خونِ جگر میخورم ز خوانِ فراق
 به پایِ شوقِ گر این ره به سر شدی حافظ!
 به دستِ هجرِ ندادی کسِ عینانِ فراق

حافظ



پیام طفلکِ روهِینگاهی به مسلمانان جهان
 عجب از فکرِ من؛ بیگانه زیستی!!
 جدا از رنجِ من؛ مستانه زیستی!!
 نکردی یادی از من در همه عمر!!
 به عشقِ مال و زن؛ در خانه زیستی!!
 لمیدی روی کت آسوده خاطر!!
 چو شهزاده؛ دُر و دُردانه زیستی!!
 غذای یک شبت یکماه من بود!!
 منم در فقر و تو؛ شاهانه زیستی!!
 نکردی لمسِ رنجِ بیکرانم
 بخواب غفلت؛ سالانه زیستی!!
 روهِینگاهِ پیکری آزرده ات بود
 بعید از او، چو در فرغانه زیستی!
 من اکنون قطعه قطعه زیرِ ساطور!!
 تو ای عیّاش به کفر؛ دوستانه زیستی!!
 بسوخت دشمن به آتش لانه ی من!!
 تو شبها؛ با می و میخانه زیستی!!
 ایا دردا! جدا از تو میانمار!!
 گمان کردی بخویش؛ فرزانه زیستی؟؟
 منم چون عضو تو؛ دردمند از ظلم!
 چرا از دردِ من؛ بیگانه زیستی؟؟
 زدند آتش به بابِ خانه ی من!!
 تودر گردِ سرش؛ پروانه زیستی!!
 ترامپ و پوتین و سوچی، اوباما
 تو با هریک بحق؛ دیوانه زیستی!!

"بهیج"



در میانمار چه می گذرد؟

محمود مدرس نور



ویل دورانت نویسنده ی تاریخ تمدن را عقیده بر آنست که محدودیت های جغرافیوی، اقلیم، آبی که می نوشیم، تابش مستقیم یا غیر مستقیم نور خورشید، در شکل گیری عقیده انسانی و توانایی انسانی نهایت موثر است. او ادعا می کند که فردی فعال با ذهنی کنشگر اگر به افریقا بیاید، مدتی را ساکن شود، خاصیت همان افریقایی را میگیرد که منفعل است و در بهترین حالت رفتار واکنش گرایانه دارد. یقینا بالعکس آنهم امکان دارد: فردی از افریقا به فرانسه برود، مدتی بعد در فرانسه تبدیل شود به مخ خیلی فعال.....

ویل دورانت اگر زنده می بود، وقتی که اخبار میانمار را می شنید، یقینا این مشکلات را در اقلیم و عوامل فوق الذکر جستجو می کرد، اما واقعا در برما چه می گذرد؟ تاریخچه این خشونت ها و نسل کشی ها از کجا شروع شده است؟ چه دست های پشت پرده این فجایع وجود دارد؟ راه های برون رفت از این فجایع چیست؟ دوست دارم که در این مقال یک نگاه کوتاه به این مسایل داشته باشم:

برما یا میانمار کجاست؟

میانمار yanmar کشوری است در آسیای جنوب شرقی. میانمار از شمال شرقی با چین، از شرق با لائوس، از جنوب شرقی با تایلند، از غرب با بنگلادش و از شمال غربی با هند مرز مشترک دارد و از جنوب غربی با خلیج بنگال و از جنوب با دریای آندامان محصور است. میانمار با مساحت ۶۷۸۵۰۰ کیلومتر مربع دومین کشور بزرگ آسیای جنوب شرقی است. این کشور ۱۹۰۰ کیلومتر مرز آبی دارد. در سال

مهرت
۱۷۶
۱۴

۱۸۲۴ برمه Burma توسط بریتانیا اشغال و ضمیمه ی حکومت هند، مستعمره ی بریتانیا شد. در سال ۱۹۳۷ بریتانیا برمه را به همراه منطقه «آراکان» (Arakan) که اکنون به آن راخین Rakhine نیز می گویند، مستعمره ای جدا از حکومت هند خواند و آن را برمه بریتانیا نام نهاد. تا اینکه در سال ۱۹۴۸ بریتانیا اجازه داد تا برمه استقلال یابد و از آن زمان به «میانمار» تغییر نام یافت. میانمار طبق آخرین آمار بدست آمده از جمعیتی بالغ بر ۵۵ میلیون نفر برخوردار است. ۷۰ درصد میانمار بودایی هستند. در سال ۱۹۸۲ قانون حقوق شهروندی به تصویب رسید که به واسطه این قانون از میان ۱۴۴ اقلیت موجود در میانمار ۱۳۵ اقلیت حق شهروندی دریافت کردند و ۹ دسته از اقوام اقلیت از حق شهروندی محروم شدند که بزرگترین این اقلیت ها، قوم روهینگیا Rohingya است. روهینگیا ۴٪ جمعیت میانمار را تشکیل می دهند و بیشتر در ایالت

راخین در سواحل غربی میانمار ساکن هستند. آمار رسمی جمعیت روهینگیا ۶ میلیون نفر است اما طبق آمار غیر رسمی جمعیت این قوم که صد در صد آن ها مسلمان هستند به ۸ میلیون نفر می رسد.

ورود اسلام:

اسلام به این منطقه هم توسط تاجران مسلمان وارد شد. زمانی که تاجران مسلمان به هند آمد و شد داشتند، مردمان این سرزمین تحت تاثیر اخلاق تاجران مسلمان قرار گرفته به اسلام روی آوردند. مسلمانان تا سال ۱۷۷۴ در آسایش نسبی زندگی می کردند که تا اینکه یک بودایی متعصبی در آنجا به قدرت رسید و اعمال



محدودیت ها را بر مسلمین شروع کرد. البته تا سال ۱۷۷۴ که زندگی نسبتاً آرام داشتند مرهون خلیفه عثمانی بودند که هم بوداییان و هم اروپاییان ترس داشتند که اگر انزوای باشکوه خود را بشکنند، عطسه خلیفه عثمانی، اروپا را می تواند که سینه بغل کند! با از بین رفتن ابهت تدریجی خلیفه عثمانی، فشارها نیز بر مسلمین این سرزمین فزونی یافت. اما تا سال ۱۹۸۸ که حکومت کمونستی در آن کشور حاکم بود، تبعیض سیستماتیک علیه مسلمین وجود نداشت، بل مثل همه ادیان یکسان سرکوب می شدند.

موج جدید خشونت ها:

موج جدید درگیری ها میان مسلمانان و بوداییان به بهانه‌ی کشته شدن یک زن بدست مسلمانان آغاز شده بود. ابتدا در ماه مه ۲۰۱۲ به تعداد ۱۱ مسلمان بی‌گناه به دست نظامیان کشته شدند. پس از آن خبری منتشر می شود مبنی بر اینکه یک زن بودایی مورد هتک حرمت سه مرد مسلمان قرار گرفته و کشته شده است. این سه مرد دستگیر می شوند و یک نفر از آنها در زندان نظامیان می میرد و دو نفر دیگر اعدام می شوند. بعداً خشونت ها به تدریج تشدید می شود، و این اختلافات بجای اینکه یک اختلاف مذهبی بین بوداییان و مسلمانان باشد، یک نسل کشی سیستماتیک با حمایت ارتش و دولت میانمار است. زیرا دولت میانمار همیشه از بوداییان دفاع کرده و بصورت مستقیم و غیر مستقیم این خشونت ها را حمایت و هدایت می کند.

مثلاً: برای رفع اختلافات و مشکلات میان مسلمانان و بوداییان سیاست کوچ اجباری کل ۶ میلیون مسلمان روهینگایی را از منطقه آراکان اتخاذ کرده است. به واسطه این سیاست اتخاذ شده از جانب دولت قریب به ۱۵۰ هزار نفر از مسلمانان آراکان به



فروشگاهی را داشته باشد باید با یک بودائی شریک شود. فرد بودائی در این شراکت هیچ سهمی را نمی پردازد اما از سود حاصل از این فروشگاه بهره مند می شود. ۷. آنها اغلب برای بیگاری (کار اجباری) برده می شوند و از آنها به زور اخاذی می شود.

چه کسانی پشت این خشونت ها هستند؟

از نظر من سه گروه هستند که این خشونت ها دامن می زند:

الف: بوداییان

ب: قدرت های بزرگ اقتصادی

ج: مخالفان ایدئولوژی اسلام

الف: بوداییان

بوداییان افراطی که تحت تاثیر سخنرانی های «آشین ویراتو» راهب بودایی افراطگرا و نژادپرست اهل میانمار قرار گرفته، کشتن و بستن دریدن و تجاوز را نوعی ایثارگری و فداکاری برای دین خود و کشور خود می بینند. این حس افراطی در بوداییان با سخنرانی های آتشین و نشان دادن چهره‌ی بد از مسلمانان مشتعل تر و مشروع تر نشان داده می شود. این خشونت مثلیکه قبلاً هم گفتم مستقیم و غیر مستقیم از

طرف دولت

میانمار مورد

بنگلادش، ۵۰ هزار نفر به تایلند و ۴۰ هزار نفر به مالزی و تعداد قابل توجهی به دیگر کشورهای آسیایی مهاجرت کردند. در آخرین اظهار نظر رییس جمهوری میانمار بیان شده است که ۸۰۰ هزار نفر از این قوم را باید از میانمار اخراج کرد تا تنش ها پایان یابد.

نمونه های دیگر از تبعیض:

۱. رژیم میانمار از صدور کارت هویت برای مسلمانان امتناع می کند و به همین خاطر این مردم نمی توانند در داخل کشور تردد کنند. علاوه بر آن، دولت برای مسلمانان پاسپورت صادر نمی کند و لذا آنها از مسافرت های خارجی محروم هستند.

۲. دولت میانمار به مسلمان روهینگیا اجازه سفر نمیدهد و اگر آنها بخواهند از یک روستا به روستای دیگر بروند باید مبلغی را به عنوان مالیات به دولت بپردازند.

۳. تحصیل در دانشگاه ها برای مسلمانان ممنوع است.

۴. مسلمانان نمی توانند در ادارات دولتی استخدام شوند.

۵. مسلمانان بدون کسب مجوز نمی توانند ازدواج کنند و برای گرفتن این مجوز هم باید مالیات بدهند و پس از ازدواج نیز نمی توانند بیش از دو فرزند داشته باشند.

۶. اگر مسلمانی در میانمار قصد دایر کردن

حمایت قرار میگیرند.

ب: قدرت های بزرگ اقتصادی

امریکا ولع سرمایه گذاری در میانمار را دارد و بقیه مسائل حاشیه ای محسوب می شوند، هرچند پای کشتار فجیع هزاران انسان در میان باشد. «سعید دمیر» از صندوق کمک های انسان دوستانه ترکیه (IHH) نیز در این باره می گوید: قدرت های اصلی منافع مشخصی را در میانمار دارند و به دلیل این منافع در قبال وضعیت موجود در این کشور سکوت کرده اند. دمیر در ادامه می افزاید: میانمار همچنین منابع طبیعی مهمی دارد، در نتیجه سیاست های آمریکا و چین در میانمار درگیر هستند. و هر دو یعنی پکن و واشنگتن به دولت میانمار چشم دوخته اند. سیاست آمریکا در مورد میانمار (و دیگر کشورهای جنوب شرق آسیا) این است که خود کنترل اقتصادی و سیاسی این کشور را در دست بگیرد و میانمار را در مقابل چین قرار دهد؛ سیاستی که دولت به شدت غربگرای تحت رهبری سوچی و حزبش، آن را محقق خواهد کرد. این سرمایه گذاری ها قطعاً نوعی گشایش در اقتصاد در حال رکود آمریکا محسوب می شود و البته اعتراض به کشتار مسلمانان، ممکن است این فرصت تازه را از آمریکایی ها بگیرد. ضمن اینکه پاکسازی و سرکوب مسلمانان به نفع آمریکا هم هست و کاخ سفید در نبود آن ها می تواند موقعیت خود را در میانمار بهتر تثبیت کند.

ج: مخالفان ایدئولوژی اسلام

طبق آخرین اطلاعات منتشره از روزنامه ایندپنت انگلیس، ارتش میانمار توسط نیروهای اسرائیل تعلیم و تجهیز می شوند. ارتش اسرائیل همان تجارب کشتن و بستن و سوختن.... قریه های فلسطین را در میانمار اجرا می کند. یقیناً

مهرت
۱۷۶
۱۶

بعد از تصفیه و پاکسازی میانمار نوبت بعدی تصفیه و پاکسازی بنگله دیش، اندونیزیا.... خواهد بود.

واکنش جهان اسلام:

در واکنش به فاجعه ی مرگبار میانمار شاهد تظاهرات و اعتراضات گسترده مردمی در کشورهای اسلامی بر علیه این جنایات انسانی بودیم. در افغانستان، ترکیه، پاکستان، ایران، چین، و برخی کشورهای اروپایی هزاران نفر به خیابان ها ریختند و صدای مظلومیت مردم مسلمام میانمار را بلند کردند و درین میان در بین تمام کشور های اسلامی فقط ترکیه یک «خودی» نشان داد که وزیر خارجه و چند مقام آن از بنگله دیش و از کمپ مهاجرین میانمار دیدن کردند و نیز بر جامعه ی جهانی و سازمان ملل بخاطر خاموشی در قبال این فاجعه ی انسانی انتقاد نمود. و همچنان عده ای زیادی از علماء، دانشمندان و قلم بدستان مسلمان درین خصوص نوشته ها و پیام هایی را به آدرس های مختلف ذیربط و مسئول ارسال نمودند و همچنین شاهد انتقادهای شدید کاربران مسلمان در شبکه های اجتماعی نیز بودیم، که گاه با لحن تند نیز همراه بود و متأسفانه از کشور اسلامی عربستان به عنوان مرکزیت جهان اسلام و پایتخت عقیدتی تمام مسلمانان، هیچ صدایی درین خصوص برنیامده و چهره و جایگاه آن کشور بیش از پیش در اذهان بیدار و هوشیار مخدوش و مشوه ساخت.

راه حل:

۱. باید اصل قضیه از طریق خبرگزاری های بزرگ مثل الجزیره، اناتولی نیوز، سی ان ان، بی بی سی یورونیوز و غیره... بصورت درست و واقعی انعکاس یافته و عموم توده ها از حقیقت این رخ داد بزرگ باخبر گردند.
۲. بر سازمان ها و کنوانسیون های نمادین حقوق بشری باید فشار های مدنی اعمال



شود که حداقل از نظر حقوقی محدودیت های سفر بر مقامات آن کشور ها وضع کنند.

۳. برای انعکاس درست مسئله و واکاوی اصل تاریخی قضیه _خصوصاً در کشور های اسلامی_ کنفرانس های مخصوص و علمی برگزار گردیده و از جوانب مختلف به موضوع پرداخته شود، تا از یک جهت علل و عوامل قضیه بررسی شده و از جانبی هم مشترکین بصورت تخصصی به کنه مسئله و خطارت امر پی ببرند.

۴. برای سازمان های اسلامی جهانی مثل جماعت های اسلامی ترکیه، جماعت اسلامی پاکستان، اخوان المسلمین.... لازم است که دعوتگران را در لباس خبرنگار، فعال حقوق بشر، فعال مدنی به آن سرزمین ارسال کنند تا روحیه داد خواهی و روحیه جهادی را در آن سرزمین بدمند، با مطالعه دقیق اوضاع کمک رسانی به آن سرزمین را تسهیل کنند. ترک سرزمین و واگذاری به کفار حربی راه حل نیست، باید بود و رزمید!

۵. حکام و سردمداران خوابرفته ی کشورهای اسلامی بیدار شده و دست بر دست هم گذاشته، و حداقل یک سازمان مستقل برای رسیده گی به چنین مواردی تشکیل دهند.

۶. دعا از عمق جان بخاطر نجات آن مظلومان و همچنان برای بیداری امت ۱.۵ میلیاردی که فقط وجود فزیکتی در دنیای کنونی دارند، و سرنوشت شان بدست بدسرستان بی دین رقم می خورد.

مهرورزی به دیگران

نگاشته‌ی: نعمت الله سبحانی

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ
وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ
وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

**(متقین) کسانی هستند که در راحت ورنج انفاق می کنند
و خشم خود را فرو می برند و از (خطای) مردم می گذرند،
و خداوند نیکوکاران را دوست می دارد.**

محبت و مهرورزی به دیگران یکی از صفات بارز فرستادگان الهی و مصلحین اجتماعی بوده است. در حقیقت انبیای الهی تمام زندگی خویش را جهت رهنمونی و رستگاری بشریت به فرجام رساندند. با آن که در مسیر راه دعوت خویش از جانب مردم آزار و اذیت زیادی دیدند، ولی در مقابل آن همه بی‌مروتی و بی‌لطفی ایشان، همیشه کوشیده‌اند که با محبت و مهربانی پاسخ بدهند.

مهرورزی به دیگری باعث می‌شود تا وی شیفته و مسحور پیام و روش و منش مقابل شود و سخن او را با دل و جان گوش فرا داده و بپذیرد. سخنی که با مهر و محبت عجین شده باشد به سان نوشیدنی گوارای است که در تار و پود مخاطبش رسوخ می‌کند و او را متحول کرده و به اندیشه و می‌دارد.

الله سبحانه و تعالی هنگامی که پیامبرش را می‌ستاید وی را متصف به والاترین صفت می‌داند و در این باره در کلام سترگش چنین می‌فرماید: {فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ} [آل عمران: ۱۵۹] (از پرتو رحمت الهی است که تو با آنان نرمش نمودی و اگر درشت‌خوی و سنگ‌دل بودی از پیرامون تو پراکنده می‌شدند).

راز موفقیت رسالت رسول اکرم صلی‌الله علیه و سلم و شیفته شدن دیگران و گرویدن به دین اسلام در پیام محبت‌آمیز و مهرورزی آن حضرت صلی‌الله علیه و سلم نهفته است. زیرا مردم به آغوش مهربانی، نیازمندند که به ایشان عشق بورزد و آنان را دوست داشته باشد و همیشه با لبخند و

آغوش باز با ایشان برخورد نماید و بر عکس از انسان‌های عبوس و ترشروی، اگر چه علامه‌ی دهر هم باشند، گریزان و متنفر اند. و شما کسی را نخواهید یافت که با خشونت و تندی بر دل کسی جای داشته باشد ولی مردم عاشق انسان‌های مهربان، نرم‌خوی و متبسم هستند و آمادگی شنیدن و به دل و جان سپردن حرف‌های این نوع انسان‌ها دارند. در این مورد رسول اکرم صلی‌الله علیه و سلم می‌فرمایند: «ان الرفق لا يكون في شيء الا زانه و لا ينزع من شيء الا شانه» رواه مسلم (رفق و مدارا در چیزی قرار نمی‌گیرد مگر آن که جز آن که باعث زشتی و تباهیش می‌گردد).

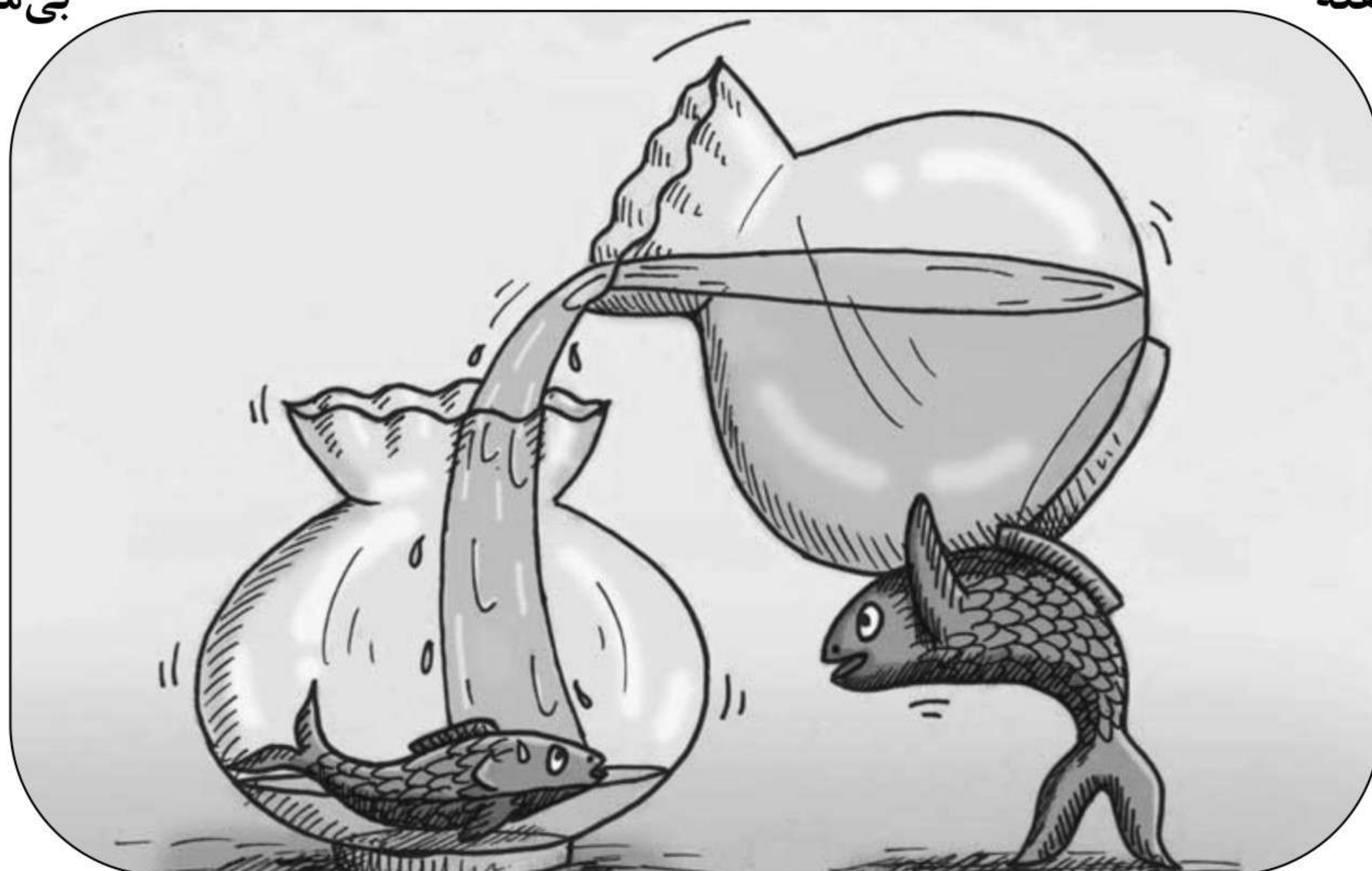
چه تعبیر زیبایی است این فرموده‌ی رسول اکرم صلی الله علیه و سلم، راز زیبایی شناسی و تاثیر گذاری بر دیگران، در این فرموده کوتاه اما پر محتوا نهفته است. ما هیچ گاه نمی توانیم قلوب دیگران را تسخیر نماییم مگر این که با نرمی و مدارا و مهربانی تعامل نماییم و بر عکس، قلوب از شدت و تندروی متنفر بوده و فرار می نماید.

شهید سید قطب یکی از دعوتگرانی است که قلب بسیار رقیق و عاطفه بسیار شفیق دارد، بر عکس کسانی که وی را به خشونت ورزی و خشونت طلبی متهم می نمایند، در فرموده های آن شهید سترگ نهایت مهر و محبت نسبت به دیگران نهفته

است، وی در نامه‌ی که به خواهرش آمنه قطب می نویسد، چکیده‌ی تجارب زندگی و دعوی خود را برایش روان می کند، در این مورد به خواهرش چنین سفارش می نماید: «خواهرم! اگر به قدرت و توان خیر و نیکی، در درون انسان پی ببریم، می بینیم که خیر فراوانی در

اندرون اوست؛ تا حدی که برای اولین بار، آن را احساس نمی کنیم؛ من این را آزمایش کرده ام، در خیلی ها هم امتحان کرده ام... حتا با آن هایی که در ابتدا چنان وانمود می شود بدکار و شرورند و یا بی احساس و بی شعوراند... اما کمی مهربانی و گذشت در مقابل گناه و تاوان شان و یا مقداری محبت واقعی و دوست داشتن شان، و یا کمی دلسوزی صادقانه و خالصانه برای رفع درد و رنج شان، کافی است تا چشمه‌ی خیر را در درون شان به جوش آورد و با

اندک بخششی که بی ریا و تزویر باشد، آنان نیز، نسبت به تو مهر می ورزند و احساس اطمینان می کنند؛ زیرا یقین داشته باش که شر و بدی در درون آدمی، آن قدر عمیق و ریشه دار نیست که ما فکر می کنیم؛ بلکه فقط در پوسته‌ی سختی از وجود انسان هاست که با آن به مقابله‌ی درد و رنج زندگی می شتابند، تا زنده بمانند... و هر گاه به خود اعتماد و اطمینان کردند، این پوسته‌ی سخت هم می تواند بر و میوه‌ای شیرین و خوشمزه داشته باشد. این لذت را تنها کسانی می توانند بچشند، که مردم آنان را دلسوز و امانت دار خویش می دانند و به محبت چنین افرادی، ایمان و



اطمینان دارند؛ چون به راستی آنان را در غم و دردهای خود، شریک می دانند و رأفت و گذشت شان را در مقابل حماقت و گناهان خویش، می بینند و با تمام وجود لمس می کنند... اندک سعه‌ی صدر، چنین چیزی را تضمین می کند؛ به گونه‌ای که تصورش را هم نمی کردی! و من چنان که گفتم، این را آزموده ام و تنها سخنان آب و تاب داری نیستند که از او هام و خیالاتم بر آمده باشند...!» (نامه سید قطب به خواهرش آمنه؛ ۱۴-۱۶)

و سپس در ادامه چنین می نگارد: «خواهرم! چه شیرین است آن هنگام که دانه‌های محبت و اخلاص، در درون مان

سبز گشته و قلب مان لبریز و مالا مال از دوستی بندگان پروردگار شده است و از این سرچشمه‌ی جوشان و منبع درخشان، به دیگران ایمان و آرامش و اطمینان می بخشیم و چون ماه تابان در شبهای تاریک میدرخشیم و از این دریای بی کران خداوند منان، خود نیز، چه گوارا و نیکو می نوشیم...!!

اگر به بهانه‌ی این که ما از دیگران، روحی پاک تر، قلبی صاف تر، سینه‌ای گشاده تر و ذهنی تیزتر داریم، از آنان کناره گیری کنیم و خود را دور بداریم، بدان و یقین داشته باش که کار مهمی نکرده ایم، زیرا این روش، تنها آسان ترین راهها و بی مشکل ترین آنها است و نه

درست ترین شان! در حقیقت، بزرگواری واقعی این است که با قلبی سرشار از عفو و گذشت، و اخلاص و محبت و با دیده‌ی ترحم، به کثی و کاستی های مردم بنگریم و با روحی آرزومند و امیدوار به تزکیه و تعلیم و رشد آنها به میزانی که خود رسیده ایم، همت

گماریم و تا می توانیم از این مردم دوری نکنیم و با آنان هم دل و هم نوا شویم! این به معنای دست کشیدن از افق های بلند و اُسوه های والا نیست؛ به معنای تملق و چاپلوسی برای مردم و تعریف و تمجید از آنان به جهت کارهای ناپسندشان هم نیست و یا بخواهیم با این کار، چنین وانمود کنیم که ما دارای سعه‌ی صدر، همتی عالی و اخلاقی کریمانه هستیم، نه! هرگز! چنین چیزی مد نظر ما نیست! و صد البته، بزرگواری حقیقی، در جمع کردن این تضادها و صبر و آرامشی که این کار می طلبد، نهفته است!!» (همان ۱۸-۲۰)

در جهان بینی اسلامی نه تنها محبت و مهرورزی به آدمیان توصیه شده است، بلکه شفقت و ترحم نسبت به حیوانات نیز از مسلمان خواسته شده است و چه بسا خدمت به چارپایان باعث رستگاری و نجاتش از عقوبت اخروی شود.

در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم روایت شده است که فرموده اند: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: "بَيْنَا رَجُلٌ يَمْشِي، فَاشْتَدَّ عَلَيْهِ الْعَطَشُ، فَنَزَلَ بِئْرًا، فَشَرِبَ مِنْهَا، ثُمَّ خَرَجَ فَإِذَا هُوَ بِكَلْبٍ يَلْهَثُ يَأْكُلُ الثَّرَى مِنَ الْعَطَشِ، فَقَالَ: لَقَدْ بَلَغَ هَذَا مِثْلُ الَّذِي بَلَغَ بِي، فَمَلَأَ خُفَّهُ، ثُمَّ أَمْسَكَهُ بِفِيهِ، ثُمَّ رَقِيَ، فَسَقَى الْكَلْبَ، فَشَكَرَ اللَّهُ لَهُ، فَغَفَرَ لَهُ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَإِنْ لَنَا فِي الْبَهَائِمِ أَجْرًا؟ قَالَ: فِي كُلِّ كَبِدٍ رَطْبَةٌ أَجْرٌ» رواه بخاری

(مردی در بیابان راه می رفت، تشنگی شدید بر او فشار وارد کرد، از چاهی که در آن نزدیکی ها بود پایین رفت و آب نوشید، سپس بالا آمد و با سگی مواجه شد که نفس زنان زبانش را بیرون آورده بود و از شدت تشنگی زمین را می لیسید. مرد گفت: این سگ هم همانند من تشنه است، پس از چاه پایین رفت و کفشش را از آب پر کرد و با دندان آن را گرفت و از چاه بالا آمد و آب را به سگ داد و به خاطر این که موفق شده بود این عمل نیک را انجام دهد از خدا تشکر کرد و خداوند نیز او را مورد عفو و غفران قرار داد. اصحاب گفتند: ای رسول خدا! آیا اگر با حیوانات و چارپایان نیکی کنیم، اجر و پاداشی در یافت خواهیم کرد؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: نیکی کردن با هر موجود زنده ای مستوجب پاداش و اجر اخروی است).

اگر لحظه ای بر این فرموده ای رسول اکرم صلی الله علیه و سلم درنگ نماییم، می بینیم که آن حضرت چه گونه انسان را تشویق

می نمایند تا به دیگران خدمت و محبت ورزد، وقتی انسان به خاطر آب نوشیدن به حیوانی مورد مغفرت قرار گیرد، قطعاً خدمت نسبت به هم نوع خود و مهرورزی به دیگران باعث اجر و پاداش وافر خواهد بود و در روز بازپسین مورد آمرزش آفریدگار بخشایشگر و مهرورز خواهد گرفت.

در سیرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم ما شاهد برخوردهای نهایت محبت آمیز نسبت به نادانان هستیم در بخاری حدیثی از انس چنین روایت شده است: «عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ قَالَ: جَاءَ أُعْرَابِيٌّ فَبَالَ فِي طَائِفَةِ الْمَسْجِدِ فَزَجَرَهُ النَّاسُ فَنَهَاَهُمُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا قَضَى بَوْلَهُ أَمَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِذُتُوبٍ مِنْ مَاءٍ فَأَهْرِيْقَ عَلَيْهِ» صحيح البخاری

(یحیی ابن سعید گفت از انس ابن مالک شنیدم که گفت: یک عرب بادیه نشین آمد و در مسجد ادرار کرد، گروهی که آنجا بودند او را مورد سرزنش قرار دادند، اما پیامبر صلی الله علیه و سلم مانع کار آنان شد. هنگامی که آن مرد کارش تمام شد پیامبر صلی الله علیه و سلم دستور داد سطل آبی بیاورند و بر محل ادرار ریخته شود).

این بر خورد آن حضرت نهایت شفقت و مهربانی و آسانگیری را نسبت به انسان های نادان می رساند و پیامی سترگی برای پیروانش دارد، و این نوع تعاملات بود که قلب های دوست و دشمن را شکار کرده بود، و هر کس که با آن حضرت یک بار تعامل می نمود چنان شیفته و مسحور کلام و برخوردشان می شد که دوست نداشت حتا یک لحظه هم ایشان را ترک نماید. و این تعامل بود که از دشمن دوست ساخت و حتا دشمن را بر آن داشت که در غیاب ایشان نیز اقرار به سجایای اخلاقی آن حضرت بنماید.

در این عصر کنونی چقدر ما نیازمند این نوع تعاملاتی انسانی و اخلاقی هستیم، عصر که همه دشمنان اسلام می کوشند تا از اسلام چهره ی خشونت طلب و خشونت ورز به دنیا معرفی نمایند، و انواع کید و مکر را به کار می بندند و برخی اوقات از مسلمان های جاهل و نادان ما نیز برای ادعای خویش استفاده می نمایند. ما امروز سخت نیازمند دعوتگرانی هستیم تا چهره ی اصلی اسلام را به دنیا به نمایش گزارند و غبار برچسپ های ناروا را بزدایند. در عمل ثابت نمایند که اسلام دین صلح و صمیمت و مهرورزی است، دینی که حتا در مورد نباتات و حیوانات به پیروانش سفارش به نیکویی می نماید، پس به طریق اولی بایستی ما نسبت به آدمیان محبت و مهربانی نماییم، تا از این طریق پیام سترگ اسلام را به دل های همه ی آدمیان برسانیم و قلب های آنان را شیفته این یگانه رسالت نجات بخش و انسانی نماییم.

در فرجام سخن، سخنم را با کلام بسیار زیبایی شهید بزرگ راه دعوت، شهید سید قطب به پایان می رسانم، وی در سفارشی که به خواهرش می نماید، چنین می نگارد: «آمنه! خواهرم، بارها امتحان کرده ام و برایم مسلم گشته است که در این دنیا، هیچ چیزی به پای لذت های روحی ناشی از دلداری دادن کسی و شاد کردنش و یا اعتماد و امید در دل او افکندن، نمی رسد؛ لذتی که با تمام وجود آن را احساس می کنیم... این لذت، طعم و مزه ای آسمانی دارد که مشابه آن در زمین نیست. گویی، پاسخی است به ندای آن گوهر آسمانی که در سرشت ما، جای دارد و بی نیاز از پاداش است؛ چون خود آن لذت، برترین و بهترین پاداش ها است...!» (همان: ۴۱-۴۲)

اخبار جهان اسلام

اسلام سریع ترین دین در حال رشد در استرالیا



آمارهای رسمی حاکی است که اسلام در مقایسه با سایر ادیان سریع ترین دین در حال رشد در مدارس دولتی ایالت پرجمعیت «نیو ساوت ولز» استرالیا است.

دیلی تلگراف با اشاره به این که تعداد دانش آموزان منتسب به کلیسای انجلیکانی بیش از ۶ هزار تن کاهش داشته است، نوشت: در سرشماری های اخیر بیش از ۲۳۰ هزار دانش آموز خود را بی دین معرفی کرده اند که این تعداد ۳۰ درصد از کل دانش آموزان را تشکیل می دهند. این در حالی است که تعداد دانش آموزان مسلمانی که در مدارس ایالت «نیو ساوت ولز» استرالیا ثبت نام کرده اند، ۵۲ هزار نفر است که نسبت به سال گذشته ۲۰۰۰ تن افزایش داشته است.

این روزنامه همچنین از افزایش ۹۱ درصدی دانش آموزان مسلمان در مدرسه دولتی ایالت «نیو ساوت ولز» خبر داد و نوشت: ۴۴۵ دانش آموز از مجموع ۵۰۷ دانش آموز یک مدرسه دیگر در این ایالت نیز مسلمان هستند.

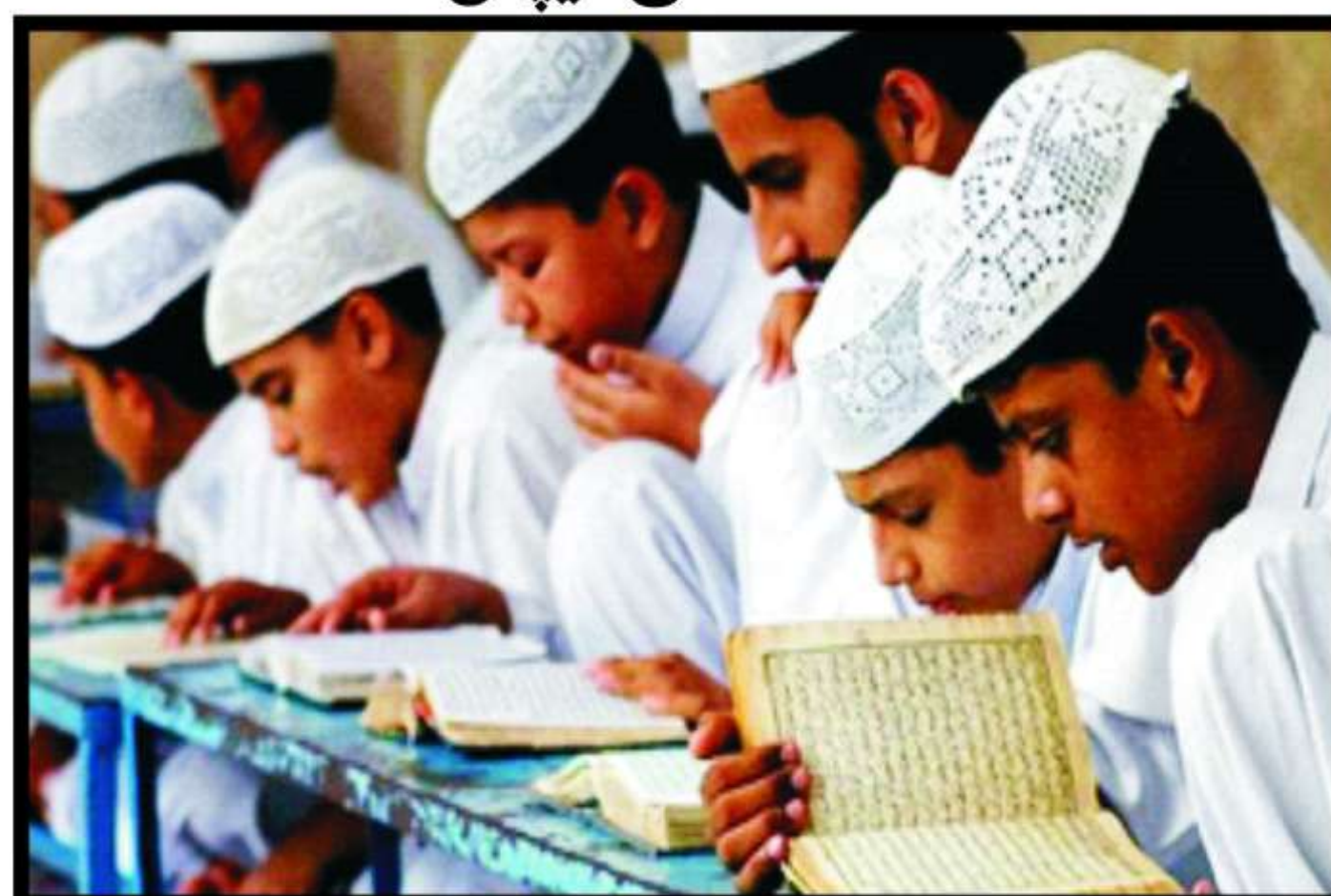
در ادامه این گزارش آمده است: تعداد دانش آموزان منتسب به کلیسای انجلیکانی از ۱۰۵ هزار و ۳۰۰ دانش آموز در سال گذشته به ۹۹ هزار دانش آموز در سال جاری کاهش داشته.

معرفت

۱۷۶

۲۰

افزایش یکصد هزار نفری جامعه مسلمانان نپال



آمارها نشان می دهد که علی رغم وجود مشکلات فراوان در ۱۵ سال اخیر ۱۰۰ هزار شهروند هندو در کشور نپال به دین اسلام گرویده اند.

نپال، کشوری است که در سال های اخیر دین اسلام در آن رشد فزاینده ای را داشته است.

خورشید عالم، رئیس جامعه اسلامی نپال طی سخنانی با بیان این که دین اسلام در این کشور به سرعت در حال رشد است، گفت: در نپال مسلمانان، بوداییان و هندوها به دور از هرگونه مشکل و اختلافی کنار یکدیگر زندگی می کنند و این مایه خرسندی است.

وی تصریح کرد: در کنار این همزیستی مسالمت آمیز مشکلاتی اساسی نیز وجود دارد و بیشتر بوداییان و هندوهایی که بعدا مسلمان شده اند با آن مواجه می شوند. زیرا برخی از افراطیون این امر را بر نمی تابند و آن فرد را پس از مسلمان شدن از جامعه طرد می کنند.

وی با اشاره این به موضوع که در ۱۵ سال اخیر ۱۰۰ هزار تن از شهروندان هندو به دین اسلام روی آورده اند، گفت: آمارها حاکی از آن است که در سال های آتی جمعیت مسلمانان به میزان قابل توجهی در این کشور افزایش خواهد یافت.

یادآور می شود، ۸۱ درصد از جمعیت ۲۹ میلیون نفری نپال را هندوها، ۹ درصد را بوداییان و ۵ درصد آن را مسلمانان تشکیل می دهند و مابقی جمعیت این کشور نیز پیروان سایر ادیان همچون مسیحیت هستند.

تشکل شورای ملی رهبران مسلمان انگلیس



این شورا اولین نهاد دینی مرکزی برای مسلمانان انگلیسی است که دستور العمل های مربوط به دکتربین اسلام را صادر می کند و صدایی واحد برای مسلمانان در مواجهه با مسائل اجتماعی خواهد بود.

این شورا به صراحت از غیر اسلامی بودن اعمالی مانند ازدواج اجباری، قتل های ناموسی، تروریسم و ... سخن خواهد گفت. قاری عاصم، امام مسجد «مکه» در شهر لیدز گفت: نبود صدایی واحد که در برخورد با حوادث تروریستی یا اسلام هراسانه دیدگاه مسلمانان را به جامعه انتقال دهد، از دلایل تشکیل شورای ملی امامان جماعت مسلمان است.

وی افزود: همچنین نهادهای اسلامی دیگری مانند شورای مسلمانان انگلیس و هیئت ملی مساجد و ائمه دینی، نهادهای مرکزی و هماهنگ کننده گروه ها و مراکز کوچک تر اسلامی هستند و در باب دکتربین اسلامی و صدور احکام و دستورالعمل های دینی اعمال نظری ندارند.



نخستین شبکه تلویزیونی اسلامی کنیا که برنامه‌های آن در سیستم عامل‌های دیجیتال هم قابل بخش است، در نایروبی، پایتخت این کشور راه اندازی شد.

این شبکه با شعار «چراغی برای ملت» که محتوای اسلامی و عمومی خواهد داشت، سومین شبکه دینی در کنیا پس از شبکه‌های مسیحی Family TV و GBS است.

«عثمان وارفا»، رئیس کمیته مسجد جامع نایروبی در مراسم راه اندازی این شبکه اظهار کرد: این شبکه اسلامی قصد دارد سوء تفاهم‌ها در مورد اسلام و مسلمانان را اصلاح کرده و گفتگوی سازنده، احترام متقابل و همکاری را بین مردم کنیا تقویت کند.

«عبداللطیف اساجی»، رئیس هیئت نظارت این شبکه نیز گفت: تلاش خواهیم کرد روایات مثبتی را در مورد مسلمانان و مردم کنیا ارائه کنیم و برنامه‌های آموزشی و سرگرم کننده‌ای تولید کنیم که در آن‌ها اصول اسلامی و اخلاقی رعایت شود.

کنیا کشوری است در شرق آفریقا که پیشینه حضور اسلام در آن را در قرن نخست و تشیع را در قرن سوم هجری قمری دانسته‌اند.

مسلمانان بیش از ۱۵ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند.

بر اساس آمارهای موجود تعداد کل دانش آموزان در هسن ۷۷۱ هزار نفر است که نسبت به سال گذشته تفاوتی نداشته است.

تشریف ۵۵ نفر از ملیت‌های مختلف به اسلام در عمان



دفتر افتاء وابسته به وزارت اوقاف و امور دینی عمان از تشریف ۵۵ نفر از ملیت‌های مختلف به دین مبین اسلام در ماه میلادی گذشته «آگوست» خبر داد.

اداره معرفی اسلام و تبادل فرهنگی دفتر افتاء وابسته به وزارت اوقاف و امور دینی عمان که مقر آن در شهر «مسقط»، پایتخت این کشور قرار دارد، اعلام کرد: شمار تشریف یافتگان به اسلام در ماه آگوست (۱۰ مردادماه تا ۹ شهریورماه سال جاری) که عمدتاً از ملیت‌های فیلیپینی، اوگاندایی، هندی، سریلانکایی و بنگلادشی بودند، به ۵۵ نفر رسید.

دفتر افتاء عمان، تشریف به اسلام را نتیجه تلاش‌های اداره معرفی اسلام و تبادل فرهنگی وابسته به این دفتر و نقش مستمر آن در ترویج فرهنگ اسلامی و آگاهی بخشی به جوامع غیر مسلمان دانست.

بر اساس اعلام این دفتر، برگزاری برنامه‌های ارشادی - تبلیغی و همکاری با مؤسسات مختلف به منظور رساندن پیام اسلام به غیرمسلمانان با زبانی ساده و واضح از دیگر فعالیت‌های اداره معرفی اسلام و تبادل فرهنگی وزارت اوقاف عمان است.



مرکز نگهداری نسخه‌های خطی نفیس و کمیاب قرآنی و اسلامی در دانشگاه «القاسمیه» شهر «شارجه» امارات راه اندازی شد.

مراسم افتتاحیه این مرکز (۱۶ شهریورماه) با حضور «شیخ سلطان بن محمد قاسمی»، حاکم شارجه برگزار شد.

در این مرکز، تعدادی از اسناد و نسخه‌های خطی نفیس اسلامی متعلق به قرن پنجم هجری که حاکم شارجه طی سفر به کشورهای مختلف جهان آن‌ها را گردآوری کرده است، نگهداری می‌شود.

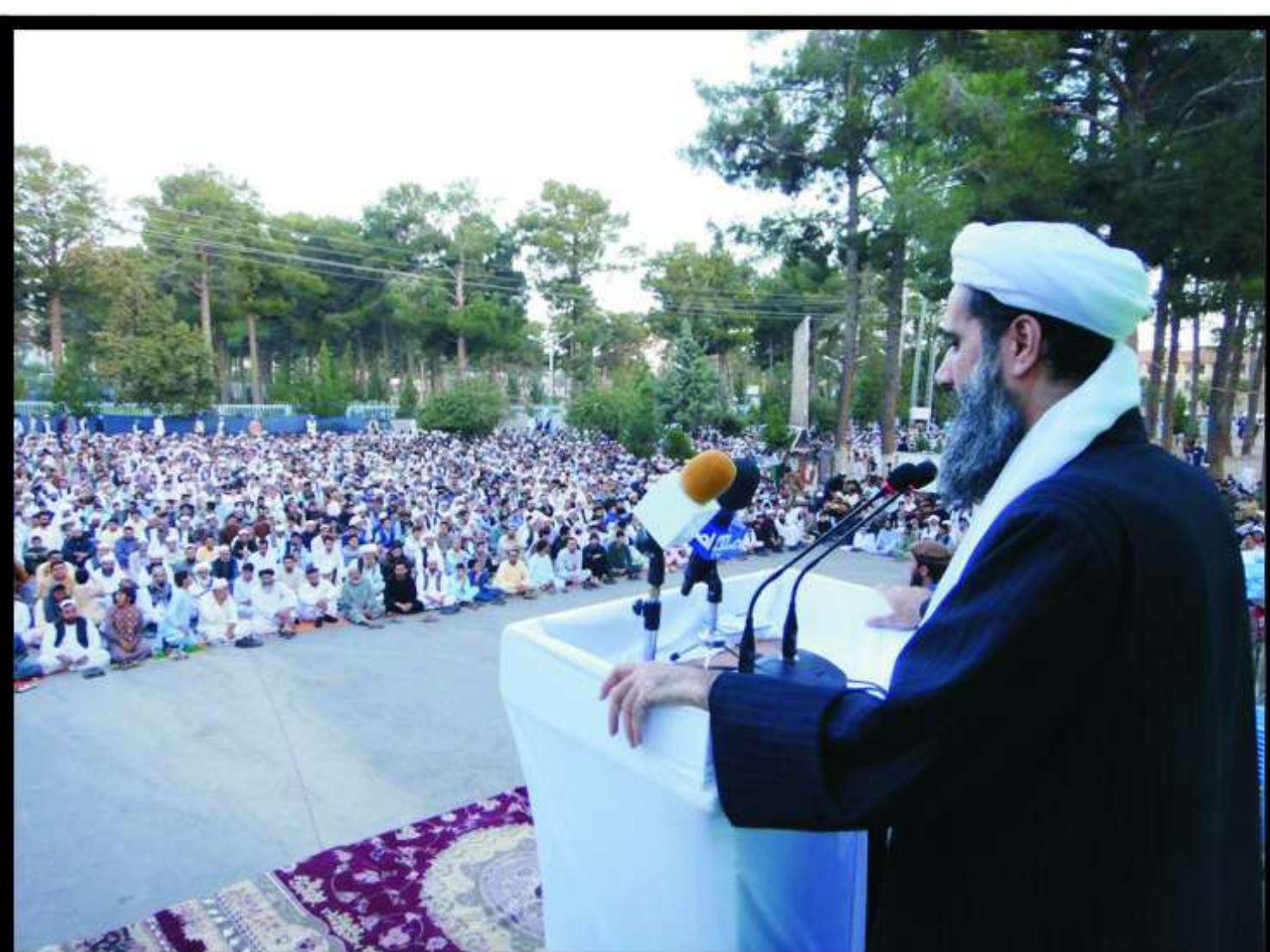
در این مرکز همچنین، ۴ مجموعه از نسخه‌های خطی اصیل و کمیاب اسلامی با موضوعات مختلف علوم فقهی، حدیث، تفسیر، زبان عربی، نجوم، ریاضیات، پزشکی و داروسازی نگهداری می‌شود و علاوه بر این، بخشی از این مرکز نیز به نگهداری نسخه‌های خطی کمیاب و نفیس قرآن کریم اختصاص دارد.

مرکز مذکور براساس معماری اسلامی، در دو طبقه و در مساحتی بالغ بر دو هزار و ۸۰۰ متر مربع در دو طبقه بنا شده و دارای بخش‌های مختلف خدماتی و فنی است و به جدیدترین تجهیزات و ابزارهای مورد استفاده در مراکز نسخ خطی جهان تجهیز شده است.

«شیخ سلطان بن محمد قاسمی»، حاکم شارجه در این باره گفت: این مرکز دارای ۱۵۰۰ نسخه خطی درباره علوم مختلف است که بیشتر آن‌ها به زبان عربی است و

نوزدهمین دور "هفته ی فهم قرآن کریم" در هرات

گزارش:
عبدالرحمن عزام



"احساس"، خطیب مسجد جامع حاجی عبدالرحمن کابل و عضو شورای مرکزی جمعیت اصلاح افغانستان در جایگاه قرار گرفته و ضمن تقدیر و تشکر از حضور گرم مردم متدین هرات، پیرامون مشکلات امت اسلامی و راه نجات آن به ایراد سخن پرداخت.

مولانا عابد، هرات را مهد علم و دانش توصیف نموده و در خلال سخنان خویش تعدادی از اندیشمندان، نویسندگان و علمای زبده ی این خطه ی باستانی را برشمرده و خاطر نشان ساخت: هرات سرزمینی است که در تمامی عرصه ها دارای مردانی بزرگ بوده است که در زمینه های متعدد فکر و فهم و فرهنگ و قلم و دانش و اندیشه صاحب نام بوده اند.

استاد بیان داشت: امت ما دارای سابقه ی درخشان و گذشته ی روشن است و اما پراکندگی امروز ما سبب شده تا طعمه ی دیگران قرار گرفته و سرزمین عزیزمان مورد تجاوز بیگانگان قرار گیرد.

استاد یگانه راه نجات امت اسلامی از مشکلات را تمسک به "اسلام" و چنگ زدن به حبل الله المتین (قرآن) عنوان کرد. اسلامی که با خود برنامه ای تمدنی و انسان ساز داشته و خود سبب نجات امت جاهلی صدر اسلام شده بود. این وسیله ی نجات، ما را نیز می تواند از مشکلات رهانیده و سبب نجات مان شود. مشکل عمده ای که ما را با ایشان متفاوت ساخته فراموشی

وحی، نوزدهمین دور "هفته ی فهم قرآن کریم" را برگزار نمود.

این همایش ایمانی در هفت صبحگاه با موضوعات "درس هایی از زندگی سیدنا ابراهیم علیه السلام"، "حرمت مال مسلمان"، "نقش، اهمیت و جایگاه خانواده در اسلام"، "موقف شریعت اسلامی در برابر ریختاندن خون انسانهای بی گناه"، "نقش ایمان به آخرت در زندگی مسلمان"، "ارزش و جایگاه کسب و کار از دیدگاه اسلام" و "مسئولیت مسلمان در قبال دین الله متعال" توسط استاد مولوی حمیدالله حنیف خطیب مسجد جامع شیخ ها، مسؤول سلسله مکاتب آینده سازان - ارگان تعلیمی جمعیت اصلاح افغانستان در هرات - برای مردم مؤمن و متدین هرات که حضور پرشور بامدادی شان در پای درس کتاب خدا، تداعی بخش حشر میدان عرفات و یادآور خاطره ی سبز سرزمین وحی بود، ایراد شد.

و اما... آخرین روز از "هفته ی فهم قرآن کریم" با حضور هزاران مرد و زن این خطه ی شهید پرور، باشکوه و ویژه یی برگزار شد. این همایش صبحگاهی با گردانندگی استاد بصیراحمد مبصر و تلاوت قاری محمد مسعود سلطانی مسؤول مرکز قرآنی "الکوثر" آغاز یافت.

در نخستین بخش، استاد مولانا عبدالسلام عابد مسؤول عمومی نهاد خیریه ی

فهم قرآن، یگانه عامل موفق برای به کار بستن و عمل بدان است و این، با برداشت از حدیث «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ» [بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و آن را آموزش دهد] [بخاری] انسان را به مقام بهتر و جایگاه برتر می رساند.

امت انسانی آنگاه که در سرایشی جهل و جهالت و مرگ هویت بسر می برد، این پیام آسمانی و کتاب جاودانی دست نجاتی به سوی او شده و برایش دانش و زندگی به ارمغان آورد؛ پس می توان گفت: قرآن کتاب نجات بخش الهی از فرودهای پست ذلت به فرازهای بلند عزت و از اسارت دام شیطانی و نفس شهوانی به سکوی آزادی انسانی و بندگی پاک رحمانی است.

و با "فهم قرآن" است که می توان به رسالت انسانی و ایمانی خویش که همانا رهاندن خود و دیگران از بندگی بندگان به پرستش خدای سبحان، از تنگنای دنیا به فراخنای آخرت و از جور ادیان به عدل اسلام، رسید. و برای مردم و سرزمین خویش عطر روح بخش قرآن به عنوان پیام بیداری نثار کرد.

بدین منظور دفتر ساحوی جمعیت اصلاح افغانستان (انجمن اخلاق و معرفت - هرات) در ایام فرخنده ی دهه ی مبارکه ی ذی الحجه همنوا با حاجیان خانه ی خدا در سرزمین

منهج و راه پیامبر و یاران اوست. ما تاریخ خویش را فراموش نموده ایم؛ لذا در دامن خرافات و... قرار گرفته ایم. و برای نجات خویش می بایست اوصاف و خصایل صحابه را در خود ایجاد کنیم.

استاد در آخرین بخش از سخنان خویش فرمودند: برای نشر دین، مراکزی لازم است و مدارس علوم دینی مراکز پخش و نشر دین هستند. و برماست که در مقابل توطئه ها علیه مساجد و مدارس ایستادگی نموده از مراکز دینی مان دفاع

نماییم. تیری که دشمنان با آن سینه ی مدارس و مراکز اسلامی را نشانه گرفته بودند، ان شاءالله برخورد شان برگشته و سبب هلاک شان خواهد شد.

سپس مولانا صبغت الله مولوی زاده صدرالمدرسین دارالعلوم عالی هرات در جایگاه قرار گرفته و پیرامون ایثار، جان فشانی و جان نثاری ابراهیم خلیل و فرزند برومندش، به ایراد سخن پرداختند. سرود نونهالان نهاد جوانان مسلمان (نجم_هرات) تنوع بخش همایش قرآنی

بود. و در آخرین بخش از برنامه استاد مولوی حمیدالله حنیف به جمع بندی درس های این هفته ی مبارکه پرداختند. در فرجامین لحظات، برنامه با دعائیه ی پرسوز و گداز مفتی محمد سرور مسؤول دارالعلوم هرات به پایان رسید.

نوت: در اخیر برنامه مبلغ ۲۳۱۵۴۶ افغانی برای مصارف برنامه هفته ی فهم قرآن کریم که حدود ۱۵۳۲۵۰ مصرف شده بود، جمع آوری شد.

همایش بزرگداشت عید سعید قربان

گزارش: عبدالرحمن عزام

عید؛ فرصت همدلی و هماوایی است. و عید سعید قربان یادآور قهرمانی های پدر و فرزندی است که از میدان بندگی الله متعال و مبارزه ی با نفس و شیطان، پیروز برآمده و برای همیشه جهانیان را الگو و مقتدایی نیک قرار گرفتند؛ لذا هزاران مسلمان همه ساله جهت ادای مناسک پنجمین رکن اسلام (حج) رهسپار سرزمین مقدس حجاز شده و به انجام این فریضه ی الهی مبادرت می ورزند. و از جانبی هم تمامی مسلمانان این روز مقدس را باشوق و شادی تجلیل نموده و از این پیروزی بزرگ که در پی عبادتی سترگ قرار دارد، تقدیر به عمل می آورند.

جمعیت اصلاح افغانستان - هرات (انجمن اخلاق و معرفت) نیز با حضور اعضا، همکاران و هواداران خویش ضمن بزمی باشکوه به روز شنبه مؤرخ ۱۱ سنبله ی ۱۳۹۶ در تالار ستاره ی آسیا از این روز فرخنده تجلیل به عمل آورد.

برنامه باگرداندگی فریدون فرحت و تلاوت ضیاءالرحمن هاشمی آغاز یافت.

نخست استاد خلیل احمد جامی مسؤول

زون غرب جمعیت اصلاح افغانستان و استاد پوهنتون هرات، به ایراد سخن پرداخت. استاد جامی در آغاز، فرارسیدن فرخنده ایام مبارک عید سعید

قربان را برای حاضرین و توده ی ملت افغانستان تبریک گفته و از الله متعال خواهان صلح و امنیت سرتاسری برای کشور عزیزمان افغانستان شد.

استاد این عید سعید را که درست یکی دو روز بعد از به اتمام رسیدن موفقانه ی هفته ی فهم قرآن کریم در هرات، تجلیل می شد، نمادی از اتحاد و همدلی دانسته از منتسبین جمعیت اصلاح خواست تا همیشه با دور گذاشتن جزئی نگرى ها، در همه فراز و فرودها در کنار مردم خود بوده و برای همه گان مصدر خدمت باشند.

استاد خلیل احمد جامی در خلال سخنان خویش اشاره نمود: جمعیت اصلاح نمی خواهد در همه قضایا محور قرار گیرد تا دیگران گرد شان بگردند؛ بلکه جمعیت اصلاح به عنوان حرکت و نهادی مردمی، می خواهد تا در کنار مردم متدین خویش



بوده و همراه با ایشان در فعالیت ها سهیم بگیرد.

به تعقیب آن گروه سرود جمعیت اصلاح افغانستان - هرات در جایگاه قرار گرفته و سرودی که تهیه دیده بودند به حاضرین تقدیم نمودند.

در اخیر برنامه از جانب اداره ی انجمن اخلاق و معرفت برای عده ای از افراد که در برگزاری هفته ی فهم قرآن کریم فعالیت بیشتری نموده بودند، تقدیرنامه هایی اهدا شد.

همایش عیدانه بعد از اجرای مسابقه، طنز و... بادعائیه ی مولوی نظام الدین عرفانی استاد دارالعلوم شاه ولی الله دهلوی و مصافحه و معانقه ی اشتراک کنندگان در فضایی مملو از محبت و صمیمیت به پایان رسید.



مرکز تخصصی چشم صفا

فیکوایمولسیفیکیشن



مدرن ترین عملیات آب مروارید در سطح دنیا، اینک در شهر زیبای هرات

تحت نظر:

دکتر شمس الحق «سلیم» اصراری

متخصص و جراح چشم

فیلولی فوق تخصصی از بیمارستان فوق تخصصی چشم پزشکی فارابی تهران

Sight	ارمغان
Awarding	بینائی
For	برای
All	همه



شماره ثبت دهی: ۰۷۹۵۴۹۷۰۸۰

آدرس: افغانستان، هرات، چوک گله، غرب فهیم سوپر مارکیت، پاساژ قصر طلا، طبقه دوم

انجام عملیاتهای تخصصی و فوق تخصصی چشم

معاینات «چک آپ» کامل طبقات چشم

جراحی های چشم با امکانات مدرن و وسایل پیشرفته

ثبت سابقه بیماران

مشاوره های چشمی برای مریضان دیابت

تجویز عینک و انواع لنزهای تماسی «کانکت لنز»

انجام معاینات چشمی شاگردان مکتب «School Screening»

جلوگیری از نابینایی ناشی از آب سیاه «گلو کوم» و تعقیب مستمر این مریضان

اخلاق و معرفت

وبسایت ساحوی جمعیت اصلاح افغانستان در زون غرب

www.Akhlaqmarefat.com

سایت اخلاق و معرفت با مطالب مفید و متنوع اسلامی در خدمت هموطنان عزیز و گرامی قرار دارد.

* دانلود کامل قرآن کریم و اذان از تمام قاریان مشهور جهان

* دانلود اناشید اسلامی

* دانلود ماه نامه معرفت نامه بصورت پی دی اف

* دانلود مقالات علمی و اسلامی

* دانلود مجموعه تفاسیر اهل سنت برای گوشه های هوشمند

* دانلود نرم افزار های کامپیوتری

* دانلود و مشاهده های هفته های فهم قرآن کریم در هرات

* دانلود و مشاهده سلسله درس های در سایه های قرآن.

تصویری از سایت اخلاق و معرفت

